



آئین دانشگاه تهران

شناخت شهر و مسکن بومی در ایران
اقلیم گرم و نیم مرطوب
دزفول - شوشتر

فرزگیس رحیبیه
مرد آواری و پیررسی:
مصطفی ربوبی



از کلیه کارکنان چاپخانه زیبا بخصوص جناب آقای
گلستانیان و آقای محمودی که با ما همکاری لازم
داشته‌اند کمال تشکر را داریم .

انجمن دانشجویان دانشگاه تهران

انجمن دانشجویان دانشگاه تهران
خیابان ۴۱ آذر - ساختمان امور دانشجویی

قیمت ریال

طرح جلد از ابراهیم حقیقی

حق تقلید و طبع این کتاب با اجازه مؤلفین و امور
دانشجویی دانشگاه تهران است

چاپخانه زیبا تهران خیابان فردوسی کوچه خواندنیها تلفن ۳۰۱۵۴۷-۳۳۶۹۵۴

دانشگاه تهران

دانشکده مهندسی نیروها

شناخت شهر و امکان بوهی ایران
در شرایط آب و هوایی گرم و نیم مرطوب
درفول - شوشتر

استاد راهنما: دکتر منصور فلامکی

گردآوری و بررسی از:
فرنیس رحیمی
مصطفی دبیوی

| شماره صفحه | فهرست گفته‌ها |
|------------|--|
| | ۱ مقدمه |
| | ۲ زلزله ریبری |
| ۱۵ - ۱ | ۳ انیم و سیمای شهر ابرانی |
| ۲۴ - ۱۵ | ۴ زلزله فول |
| ۲۵ - ۲۴ | ۵ شوشت |
| ۴۱ - ۲۵ | ۶ استفاده از علم و اهل طبیعت |
| ۳۲ - ۴۱ | ۷ شناخت ممالک |
| ۳۱ - ۳۲ | ۸ تقیبات اقلیدس ایران |
| ۷۱ - ۳۱ | ۹ تاثیر آب و هوا روی انسان - طریقه‌ریزی بر اساس آب و هوا |
| ۸۰ - ۷۱ | ۱۰ نهر و دره‌های آب و هوایی زلزله و شوشت |
| ۱۰۱ - ۸۰ | ۱۱ ستودان |
| ۱۰۴ - ۱۰۱ | ۱۲ استفاده از دیوار و سقف |
| ۱۴۳ - ۱۰۴ | ۱۳ آرایش ساختمان - نمودن |
| ۱۴۶ - ۱۴۳ | ۱۴ تپولوژی مکان |
| ۲۰۷ - ۱۴۶ | ۱۵ مکان در زلزله فول |
| ۲۴۱ - ۲۰۷ | ۱۶ مکان در شوشت |
| ۲۴۹ - ۲۴۱ | ۱۷ وضعیت سایر در ساختمان |

نقشه قدیم زلزله فول با کمک شهررداری زنفول و
نقشه قدیم شوشت بر به وسیله اداره آبیاری شوشت
تهیه شده است.
بدین وسیله از همکاری بی دریغ این دو سازمان سپاسگزاریم

مقدمه

معماری ایرانی چون بسیاری از نظام‌های متمدنی در طول تاریخ حیات خود از تداوم کم نظیری برخوردار بوده است. البته این بیان مفهوم نیست که قدم ایرانی از آغاز تمدن شهرنشینی خود همواره به ساختن بناهایی کلاسیک باشد به هم می‌چسبند نظریاتی در زمینه طرح و بنیاد پرداخته باشد بلکه نظریاتی است که از حکامی که من ساختن می‌پس از طی یک دوره ابتدایی مراحل تکامل خود را سپرد و شیوه خاص خود را پی‌ریزی کرد. دیگر آن خصوصیتی را که معماران سرزمین ما بدانها باز شناخته میشوند در طی توالی معماری هرگز از دست نهاد.

چه در زمینه یک شناسی معماری ایران به اساسی - مختلف پارسی، پارسی، خراسانی، آذری و غیره بر میخوریم که در بررسی همسانی و ناهمسانیهای این گونه سبکها رابطه معماری و شهرسازی در آن مشخص و تداوم آن دهره‌گیری از تجربیات گذشته را درمی‌یابیم. معماری و شهرسازی بی شک یکی از این تریون‌هاست. تمدن هر قوم و ملت است و بهترین بازگوکننده نحوه برخورد آن ملت با مسائل مربوط به حیات و پیشرفت وی از جهان خلقت میباشد.

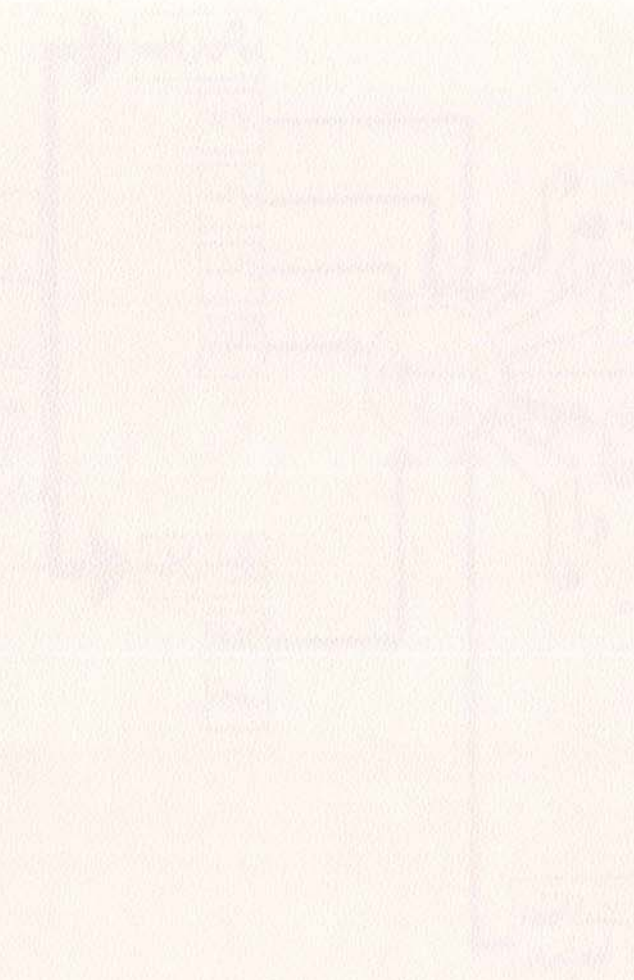
همین که از حدود یک چهار دیواری که سقفی را تحمل میکند و تنها برای پناه دادن انسان از عوامل - ناسازگار طبیعی فزاینده‌تر هستیم و وارد مرحله ای گشتیم که در ساختمانها جز هدف های ساده اولیه با - میل دیگری چون تقسیم فضا با بر بنیاد - نیازمندیهای گوناگون نوری و اجتماعی و حقوق - اشکالی که با حقوق نیاجویی ما سروکار دارد پرداختیم و در مجموعه شهری به دنبال تحقق نیازهای انسانی و چشم به رنمایی معماری و شهرسازی ایران قدیم قدم

گذاشته ایم. بی شک از ساختن یک بنا نگاه در بدو زندگی گروهی تا برقراری شهرهای بزرگ در دوران بعدی همیشه معماری بعنوان هویت‌گویی برایشاهاست انسان در رابطه با طبیعت و اجتماع مطرح بوده است. مطالعه عوامل خردتر در معماری از دوران اولیه تاکنون ما را به ارزش این عوامل در طی زمان آگاه می‌سازد. اهمیت به عنوان یک عامل خردتر و کهن در رابطه با ارگانسیم بدن و عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی در پیدایش - زندگی اجتماعی و روابطی گوناگون در دوران مختلف معماری همواره دارد و این پدیده‌ای نیست جز تجربیات در طی - دوران.

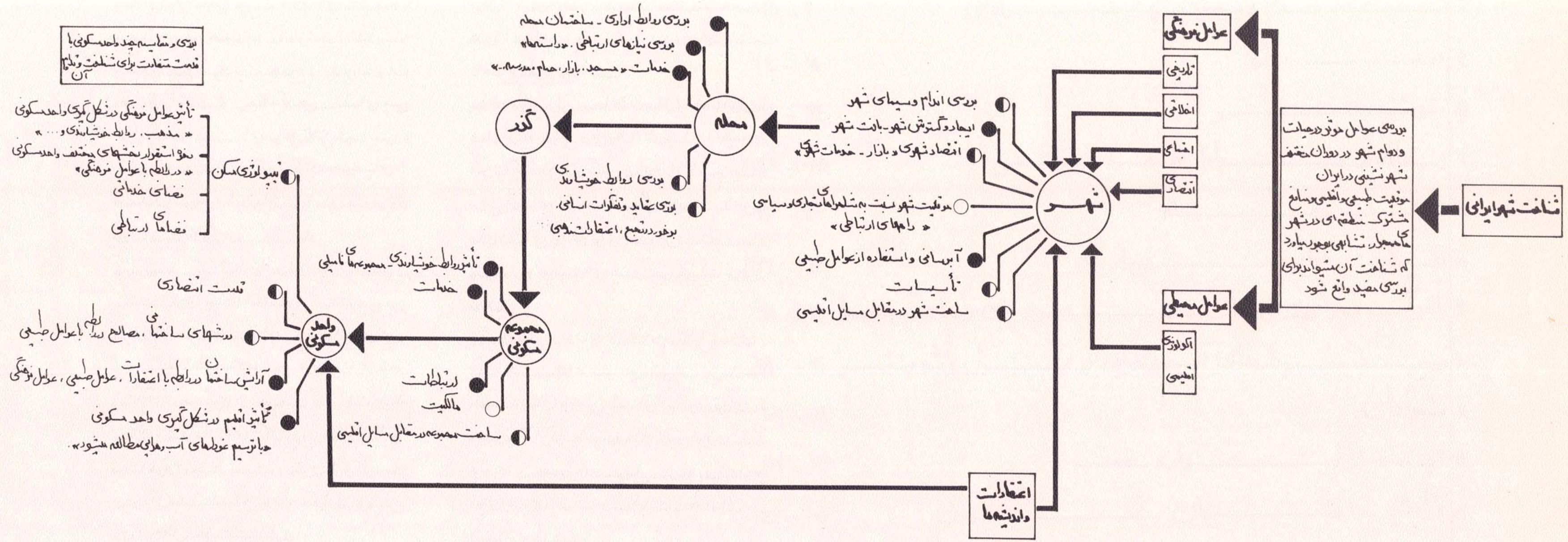
بی‌گویی چنین تجربیاتی لازمه تداوم و تکامل معماری - اجتماعات بزرگی است. این تجربیات زیرساختهاست ماست و ایمان به چنین تجربیاتی اساس برقراری - مجموعه آثار گوناگون شهرهای قدیمی ایران میباشد. بی‌گویی در خصوصیات عوامل سازنده معماری قدیم ایران سیری است بر شناخت رابطه انسان ، اجتماع و طبیعت.

چگونه طبیعت را مهار کنیم و از طبیعت زندگی بیابیم؟ شاید در حال حاضر که معماری خدمت تکلیف و نه تکلیف در خدمت معماری روابطی نو را دادگی را دنبال میکند مطرح نمودن این مطالب پریشانی غم در نظر گروهی فکری سنت پرستی به حساب آید. وی آیا نمی‌بیند این تجانی که سازنده معماری قدیم ما است نشانه عدم شناخت نیست و بی‌نیگونی سعی در شناخت این ارزشهاست که هدف از طرح این پایان نامه میباشد و امید -

که بتوان با پی‌گیری این مطالعه، به معماری و ادبی خود با آنگردیم.



براعزاز این پایان نامه بهجاست از آقایان: مصدعلی امام زرفرویی، شرف‌الدین شوشتری، دکتر تقی مصطفوی، و دکتر کریم پیرنیا که با دانش خود ما را بهره‌مند ساختند و برای بررسی مبدیان داده اند تشکر نمائیم.



« گامهای انجام شده در این بررسی با دایره های سیاه مشخص شده است »

اگر امروزه فرهنگ معاصر ما پایه بای
رشته کهن را در علم توسعه و پیشرفت
کرده بود و همچنان از ارزش که جوان کهن
برایس عالیله کشور برار بودن منابع علمی
چندین بار کرده اند. از وضعیت علمی و منطبق
دانست. و در مختار سطح که کتب که
بیش داریم در "کلمات" بنود و صورت
متنصر به کتب نگاشته اند و بعضی می دانست که
بیشتر در کتب کهنه می معین از دانش معاصر
و شهرسازی محصور شده اند.
اما چگونه می توان در شرایطی که
معلم ترین و عمیق ترین بنا که سکونت شهر
ما شرق و غرب محیط طبیعی را از
باید که تمیز نموده و در شرایطی که
همین وضعیت ترین نقاط سطح شهر برای
ساختن ارتفاع ترین بنا که ارتفاع دارد
می شود و بیشتر هدف کمر بازرگانی
رهبر و تعیین کننده می از نام و سیمای
شهر کس ما هستند. و شرایط اقلیمی و جغرافیایی
شهر و تطابق با محیط طبیعی و اقتدار است

زیبایی های محیط سکونتی و از طرف دیگر
بنا که با دست قوی شهر کس ما. هنر نامناخته
و با استناد "خداست که از آب تخم
می شود تا با فاصله حجم که سطح آن در
و مصالح ساختمانی و روابط کهنی تازه ای را که
- در فرهنگ ما. هنر نامناخته مانده اند
بیشتر در در آن شرایط در آن معنی می
گفته. و بیشتر از کلمات "صحبت بود.
اما آنچه می توانیم در صحبت است معنی در
دارد. و بعضی زمانه که همراه با خود می گران
جوان ما پایه شهر کس از قول و شور شهر می
بررسی پس یعنی در سطح و بزرگ است که
در نفس بعضی نظریه کس کلی در باره شهر و
معنی آن کبار می باشد و نگاه نظریه را
در معنی آن می گفتم و نگاه نیز کوهان
نگاشته طریف است که بیشتر از شکل و
با پیشروی زنده ای را. در بررسی معنی است
فرهنگی - این شهر کس کس ما در دل
کتابه شرط بقا که زمین خود را در ابتدا و اوج
فرهنگ آن سیدانند بر بنا می شود.

از شهر:
شهر، در بازشناسی علمی است. گویای
مجموعه ای از مطالب. حواشی و ارزش است
و معرفت عناصر است که هر چه با وقت
خاص و در پی هدف های معین و مقدس در راه
گفت به باز زنده سازی فرهنگ و تقدیر است
زنده در دانش مطالعه شود. نه در
سنتری را بر است شهر در توانه قابل معنی
است.
ب شهر کس. دلیل و بزرگ که علمی است
در رابطه با منطقه و فضای معرفه اقلیم - اقلیمی
متغیر است در ادوار مختلف زنده سازی معنی شود
پدیده ای خاص را معرفت است به جهان
صمیمت که سخن از "خانه ای از آن گفتن
در می واهی و گفت است شهر آن نگاه که
که موقعیت زمانه و مکان آن تعیین شده
است. صحبت از شهر ای از آن نیز می شود
مبارک که صحبت از بیشتر زمانه ای مختصر
و محدود از شهر معنی نشود است. و سیمای
صمیمی کلی و مگره کننده. نیز است. آنچه

مستانه بصیرت مختصر در کعبه مطلب فوق گفته
شود است که در مقابل نظریات
کلی شناخته شود در باره شهر که آن نگاه
که تنها مستند و مبتنی بر واقع تاریخی هستند
و در کعبه و در عین آن واقع نیز کمتر
از مکان که از ارزش آن. روابط و مش کتب
و تا بیشتر نیز کس متقابل به هر کس که از آن
لقب مع شهری صحبت میماند می باشد. چه بودی
چرا که نیست که بر پایه ای از آن است ای
جامع و معرفتی جامع و از راه علمی. شهر مورد
بازشناسی قرار گیرد.
شهر اگر بعد از نظری از زنده سازی
ان آن کس با سیمای که به شروط از هم می خورند
و روابط اجتماعی - فرهنگی خودش از راه است
باید به زنده سازی در راه است با منطقه ای
متعلق به شهر. از راه گسترش مبادعات
از راه بهره آوردن نیاز و بنیاد که اجتماعی - اقتصادی
و بازرگانی و از راه توانمند و تعیین کس
صمیمی برای بقا و روابطی که سازنده و بهره
آورنده ای نظام جامع شهری ساخته می شود

مصرف مسکنه مازاد در اقتصاد، مالی،
جمعیتی و فرهنگی قابل توجه برای صرفه فرام
آورد آن شهر بیشتر آن در ابعاد
متفاوت منطقه ای جنوب، در هر یک از
ادوار مختلف تاریخ، تجزیهات و تألیفات
شهری مباحث را در تکمیل فضای شهری
جنوب بدینجهت بناورد. با توجه به تاریخ و
آنچه از در رابطه با تغییرات مربوط به
سیر تکاملی و با توجه آنکه هدف، تغییر
شکل داده باشد.

در بازسازی شهر و در بازگشت به
مباحث آن، سوای تمام جنبهها و فراموشی
جنبهها که قرار دادی صلح، تغییر فراموشی
و تسلیم یا لغزش در مربوط به روشها و
و مادرش هم، هر دو فراموشی و بنا بر آن
نموده، تغییرات مذهب و تأقیل یا
تجلیل گوشه ای مدینه ... آنچه مسترانه
وسایه ای غنی و در هم آمیخته بیشتر عینی و

بازمانده های شهری ای هستند که از منطقه
با تفاوت کمی متغایب با این هنرهای
لغزهای و به آنجا و تجارب معیاری عملی،
بافت شهری را به هم میسازند و
از طرف دیگر، با شرط نیز بر آن و در آن
مختصات جغرافیایی - اقلیمی، آنرا از
و اقلیمی، لغزش و افتادگی آنرا، در هر
که در راه با کمی اقتصاد و بازگشت و فرهنگ
درست باشد به مناطق بیابان و قشلاق، شکار
گاهها، مرتع و غیره شهر را در
طبیعی آنجا، جاگزینی می بخشند.

بررسی، تحقق و اظہار نظری روزگاری
آب نیز هم مسترانه شکل شهری انجام شود
و هم، در این زمینه ای پویا، از هر یک از
منظاری و طبعاً کمتر در راه بازگشت و
بازگشت با این در قوت، که صبه از دیگر
مراکز منطقه ای نیست، البته
شود: در بررسی آن قدمی آن رودخانه
با آنچه در هم فضای زمانه پیشین و پس از

تزدک واقع در منطقه اتفان افسانه است
که چه کرد
بیلری پویای علام و آثار تاریخی - جغرافی
شهر، اگر در منطقه منظم و در آن روشهای
شناخته شود، بدینجهت صورت گیرد.
بنظر میرسد بتواند در این حال که بهترین
زمینه را برای استفاده و کارگری همی
لطافت مربوط به دانشهای شهر فراهم میکند
و - در لای عینی بودن و قابل لمس بودن
مراکز عادت مردم مطالعه - این از بهترین
زمینه کار این تبادل نظر، بر چند عقاید
و مطرح نمون "شک" روی آنچه لغز
"شناخته" میباشیم، به هم میسازد.

این طریقه ای بیشتر و مطالعه ای شهر، در حوال
اولان قدمی جنوب را در ایران بر مبرارد و
نارسانه ای که مسترانه در بر داشت باشد.
بسیار از هر حال از تزدک و در حوال
آن تجارب است که، تنها توسط آنکه

بستر، وقت و نیروی فزون تر از هر اندازه
از آنکه آوغه هر بازگشتی سکوی خود
در چه حد و چه وسیع تر باشد خواهد بود.
آن مابین نامی پژوهشی از رسته ای شهری
به آنجا، زمینه ای به هر یک و به سبب مباحث
گردیده بود، بر اولان بازگشت هر یک
و از گرفت و آن تا به راه ناره و در هر یک از
در حال آغاز گردیده است تقریباً شهر.

یکی از فواید آنکه طی مراحل مختلف
از پژوهش مابین نامی مورد تحقیق قرار
گرفته است. "لعل" کارگری فضای شهر
در پیروی از سلسله روابط است که هر یک از
بین یکدیگر و بین جنوب و هیات حاکمی عملی،
قشری و غیره - بازگشت و در حوالان با قدرت
منحصراً عملی برقرار میکنند، مباحث
پی بردن به "تسلل روابط اجتماعی" در
بافت شهری و مباحثی کردن مباحثی بین
خانه و بازار، مدرسه و مسجد برای اطلاع

مردم مهندسی مازاد در اقتصاد و مالی
جمعیت و فرهنگی قابل توجه برای هندو و اسلام
آورد این شهر کمترین در ابعاد
متفاوت منطقه ای هندو در هند است
"ادوار" مختلف تاریخ، تجزیهات و تألیفات
شهری مفاصل را در تکمیل فضای الهی
هندو بدیده نیاورد. باستان و شهرهای هند
آنها را در رابطه با تغییرات مرتبط با
سیر تکاملی و با قوت آن هندو، تغییر
شکل نیاورد.

در باستان هندو در باستان است
میان آن و سوی تمام هندو و فراموشی
جنبه که در کارهای صلح و تغییر فرماها
و تسلیم یا لغزش در مربوط به روشهای
و مادرش هم. هر دو قدرات و بنیانهای
نیاورد. تغییرات مذهب و باقی
تعمیل الهی در هندو ... آنچه مستوار
و سلبه ای غنی و در هندو بدیده یعنی
مطابق با ... منطقه هندو.

ما زمانه ای الهی ای هستند که از هندو
با طراوت کمی متناهی با این هنرهای
لغزایی و به آنجا و تحریک معنای علمی
با نیت شهری را لوله میآورند و
از طرف دیگر با سیرت نیز از دولت که
حقیقتات حقیقیات - اقلی، اکثریت
و انبیا، لغزش و اقامت که انبیا، و در
که و راه های که اقلی و اکثری در هندو
درست با به سلفی بیاید و وقت با
لها. ها، مرتب آید و ... شهر را در
طبیعی است. جاگزینی می بخشند.

بررسی و تحقیق و الهی نظری در هندو
آینده هم مستوار به کلی هندو انجام شود
و هم در هندو ای برآید از هندو
نظری و طبعاً در راه باستان و
باستان با آن در قول که هندو از هندو
مراکز سکونت منطقه می زیست. استاده
شود. در بررسی ای قدیمی آن رودخانه
به آنچه در هندو زمانه پیشین و سیر
نیا و شروع الهی آن در قول و شهرهای

نزدک واقع در منطقه اتفاق افتاده است
توجه کرد.
یکباری یونانی علام و آنرا ناسی - تجزیه
شهر. اگر هندو منطقه در هندو
شناخته شد. بدین ترتیب صورت گیرد.
نظری هندو بنیاد. در این حال که این
زیست را برای استاده و کارهای
لطف است مرتبط با این ایستگاه
و - در لیل عینی بودن و قابل لمس بودن
مراکز هندو مورد مطالعه - این از هندو
زیست که این سارک نظر. بر هندو
و مطرح عنوان "شک" روی آنچه عنوان
شناخته "میت" لیم. بدیده میآورند.

این طبعی نیست و مطالعه ای شهر در حال
اولین قدمی که هندو را در این برسد و
نایب آنی که مستوار در دراز است باشد.
بیش از هر حال که از نوبت و هندو
آن تجزیه است که هندو در هندو
لها و باستان به امکانات هندو

بسیار وقت و نیروی فزون که در هندو
از هندو آید هندو باستان هندو
در هندو هندو هندو هندو
در این زمانه که به هر چه
گردد بود. با این بار هندو
قرار گرفت و آن هندو راه
در حال آغاز هندو است قویست شهر.

می از هندو که هندو
در هندو هندو هندو هندو
گفته است. لعل "کار" هندو
در هندو از هندو هندو هندو
هندو هندو هندو هندو هندو
قشر هندو - باستان و هندو
مندی هندو هندو هندو هندو
بی نوبت به "تسلیم روابط الهی" در
باقت شهری و باطن کردن هندو
خانه و بازار، هندو هندو برای
این از هندو که در هندو هندو

واحد در معری - شهری و بعد دارد و مری
که هم شکل خاصی نماند را شرط میکنند و هم
از تعداد و تکام نماند شرط مری دارد...
بسی از نکات است که در شوش و زوزول
کاوش شده و همراه با شوش و شوق خاص که
در کوه و کوه خیزش یکا زفته عرضه میگردد.
درست باید به آشنای کسی بود و نظیم
لطایف نخستین در بهای نظام شهری در
شوش و زوزول - بدون آنکه اصراری
در عمومیت دادن به آن درستی که در
شهری ایران و بعد داشته باشد - ما را
باید اولین کشور بود در شرط نه منظمه کسی
شهری (از واحد در همجواری تا شهر مال گذر)
که در اولین قرن بیستم از ابرام شهری
انرا زد که حرف از رسم کسی شهر سازی
"عمی" قرون وسطی اروپا در برداشته؛
اگر قبول کنیم که ما هنوز در مقابل اولین
کاوش های و بررسی کسی شهر سازی که
چند هجدهم و نهمین است در کردی که در
شما خست و در رسم و فرهنگ شهر سازی

خود داریم به نوبه نهمین - گرانی ما در مقابل
آن در کردی و کندی است در نزد شهرهای
شهری و بعد دارد در مقابل باقی
کس کاوش شده و در ایشان نیست بلکه
نشان از آگاهی بر خصوصیات تاریخی مهم
مربوط به تحول بزرگی است که سراسر
کشور پهلو ما را در گرفته و انجام چشم
خانه را در روزگار تکامل دیده کسی نزدیک
اقبالی - شهری ما الزام میکنند.
گرانی در آن است که در لابل گردان
از روی آنچه داریم و نمانده است بلکه بر ما
هاندر که در شروع سخن گفتیم - چیزی را
چاپی کنیم که هنوز بر امان نمانده است
است.
در ترکیب محلات مکتوب ساز شهری
که شهر کردی، اگر بتوانیم برای ساکنین هر
کس که جمله و وجهی باشد از یک انتخاب را
برای دسترسی به واحد هر حد ماکه، برای

برای به شکلی که برای راهی و برای مردم مرکز
شهر، برای قرار از در بعضی رهنمویان و
در بناه ساسی در راه که ساسیم... و اگر
توانیم مرکز یکی شهر را، برای کارگری
کس محض به خدمت در جهت کسی متناوب
گسترده هم و ما بعد آوردن بهترین
شرایط جاگزینی در محوطه طبعی برای
واحد کسی معری - شهری (از خانه تا مدرسه)،
بهترین ساسی در فصل کسی گرم بود
آوردیم و در عین حال از آن مختلف همین
نماند که راه طبعی کردیم آوردیم که از "خفتن" زمین
در فصل کسی گرم و از حرارت آن در فصل کسی
سرد بهره ای مناسب ببریم... به بنای
شوش و زوزول چند دهه سال پیش، نماند
گفته ایم.
سوالی که میباید جواب بدهیم این است:
ما که سراسر شهری همین غنی و همین طلب
ب نهم، آیا واقعاً ما جز هستیم که آن را
بصورتی مناسب، با شرایط زندگی امروزه که
در باب تغییر مکان و تفاوت فاحش داشته

نست به لذت سخن بسیار میباید گفت...
در آوریم؟
در این نقطه از گفتار که خوش یاد آوری
مکنیم که، پیوند روزی تجرید معری - شهر سازی
در جهت معقول، در رابطه با سوالی که هم
آنرا مطلع کردیم. هدف تهرین رهمنون ما
عزاهد بود و کاری که آن زوج عزیز، از
در سته ایران معری بودی شهر کسی ایران، عرضه
مکنیم تجرید از آن راه است که به این
درست باید به راه حل کسی سالم که، منصفانه تر
فردی که در بر قدر که از آنچه امروزه معمول است،
پیوره شده است.
آخرین نکته این مورد که در کار میگرد و
سوی مباحث سرد منم و مستند مرصط به
بیرون و از هر طرف و "شواران" خانه کسی مکتوب
در دوش کسی ساخته آن که در رابطه با مکتوبات
سکونی، سوی مبحث کارگری آسیاب کوفت،
سوی فصل مرصط به مطالعات اقلی،... لطف

خامی به بر سر کمر بستگی ای آن مجموع
 سه سه سه "مردون" هاست.
 نمودن سیران نقطه می شود معنی در
 فلسفه می معنی و ضرب شود که در تمام طول
 همه تنگی برت لوده ای تقویت یافته.
 در مقابل طریقه که شناخته شده و کتابت
 که می باشد چنان معنی مدون قرار میگردد
 و از درگاه می دیگر، باعث قوت
 ملک که در مکرر که در کماوش و
 تجرد در معاری و تفکر استوار است.
 "تذکره نایبیت" و "از گمانگ" در می گری
 راهی تازه که فروتنی که به سران "مؤمنان"
 و "بجیل" ها... در فضا ساخته شده.
 آمده از...

آنگاه که به جوانی می نریزید مطوع در
 تزیین مستقیم و در کلمات نفس اولدی
 چلیب به فضا که به بیان دست سیران
 یافت و در تعیین شکل یک دیوار ساده
 از راه مصالح ساخته و تقویت تزیینی و
 تناسب تزیینی به سیران و دیوار ساده است

که با دار و زر زمان و بیست و در هم آمیخت
 از دست که سلیقه که می - شهری نیز باشد،
 آنگاه که با "دست" و "نوع" می نگاه
 در آزاد ولی با اینها به سخن و فرهنگ محلی
 هم دیوار که بنا میشود و هم سقف که و به سایر
 جای چند قرار میگردد... خانه ای است
 می رود که به رحمان و ناله سجده است اگر
 همکاران واحد که مکرر "مصرف شده"
 قرارش در هم و از آن چیز سوازی یک میراث
 فرهنگی می بنامیم.

تأسیس می دارند نگاه ایران بر آن بیان
 نام - که روز به روز و هشتم از به وقت
 ماه سال که در و صید و پناه و... دانگه
 هنر که می بنا عرصه گردید - و اقلیم
 چه آن - به دنبال می سار اقدامات که
 در راه باز شناسی فرهنگ ایران میراث
 میگردد. امید داری و گرمی خاصی را که نسبت
 به شناخت معنی بومی کشور وسیع و
 غنی ما هم اکنون نزد دانشجویان دانشکده

و بعد دارد تقویت مکتب و در سال کی
 آشنایان کتب و محصلات علمی و بازنه سوزی
 را در مقابل هنر و دانست.

در فرهنگ
 تهران - تیرماه ۱۳۵۳ - دانشکده هنر
 کسوف

سیمای شهری دایران

تداوم و تکامل ریشه های شهرنشینی دیباقت شهرهای ایران و بی‌گویی و شناختن وجهت سیمای شهری در طی دوران ملزم می‌دارد که نتیجه جسی بررسی ما مورد ارایه رسم شده - می‌تواند استقرار عوامل مختلف و متغیر اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی «رودان» را در شکل‌گیری بافت شهری و سیمای آن مورد مطالعه قرار دهد، چه نظیر نظامها و روابط الزامات شهرهای گونه تون دیباقت شهرهای ایران - اینگونه می‌دارد.

در نتیجه این الگو خودمیلری برنشا حنت منطقی و بررسی دقیق عوامل اساسی در جایگزینی و تستوش و بالافره سیمای شهر های ایرانی است .

بجاست یادآور شویم که این گفتار و نمودارهای ترسیمی کلی بررسیهای آمانی اشرف و کتاب تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم ترمیم و ترمیم کشاورزانجام شده است .

شهرنشینی در ایران تا قبل از ظهور تمدن متمدن و بررسی ترورکرد . کپی رودان باستان دیگر دوران اسلامی . با آنکه اساس زندگی شهری در دوره اسلامی از شهرنشینی دوره ساسانی مایه گرفته بود ، - شهرهای دوره اسلامی ویژگی‌های خاصی داشت که آنها را از شهرهای پیش از اسلام متمایز می‌کرد .

شهر در دوران باستان:

شهر در گذشته باستان « حِثَّت » می‌گفته اند که معنی پارتاشی « تلور و پادشاه » بوده و در اوستا این واژه صورت « حِشْتَر » آمده است . واژه ندری « شهر » از همین واژه اوستایی می‌باشد .



معبد چغانیسل

در روزگار ساسانی شهر به معنی امروزی آن شهرستان خوانده می‌شده است . استان جزء دوم دانه شهرستان از واژه ندری باستان و اوستایی استان می‌آید که معنی جاو مکان دارد . و آژان در ندری سیوند محل استان درایم از ریشه « استان » به معنی ایستادن . بدین ترتیب - شهرستان ، یا شهر در کاربرد امروزی ، جایگاه پارتاشی و مرکز قدرت سیاسی و حکومت بوده است . این مفهوم باستانی از شهر در واقع حقیقت را بجاگاه اداری و سیاسی شهر را در نظام اجتماعی و سیاسی ایران باستان بجزئی نشان میدهد .

نظریه‌های از صاحب نظران مفهوم شهر با تفاسات اداری کشور یعنی با ساتراپی‌ها و واحدهای اداری تابع آنها رابطه نزدیک داشته است . نکته هر دو دولت کشور بزرگ را پیش از این به بیست نهم اداری یا ساتراپی - تقسیم شده بود و در راس هر یک حاکم نهم یا ساتراپ « به زبان پارسی قدیم » حشترایا و « توار داشت » .

هر ساتراپی به وابستگی‌ها و چند تقسیم می‌شده که یک کوه یا استان بود . با سازمان اداری مشخص کرده به روستاهای چند تقسیم می‌شد به معنی بخش یا بوک و همچنین به دهاتی که از شهر متمایز بودند .



معبد چغانیسل

در کتاب شهرهای ایران شهرستان به معنی شهر آمده ولی غالباً به مرکز استان نگار می‌رفته است . در واقع شهرستان معنی مرکز استان ، نهم ، کوه ، منطقه و کشور بوده است . برای این مفهوم در دوره اسلامی واژه تقسیم و کجاری بودند . شهرنشینی در دوران باستان از سه مرحله پیوسته آید - کرده است :

- ۱- دوره پیدایش شهرها و رشد آنم شهرنشینی بر امپراتوریها ماری و هخامنشی .
- ۲- دوره میانگانه‌ای شهرهای خردنرمان ، به مسک شهرهای ایرانی ، به دست نرمانزبانان سلوکی و شدت شایان - شهرنشینی در عهد سوسیان و پارتیان .
- ۳- بزرگترین دوران در آمدن شهرهای مرکزی تحت یک دولت مرکزی در دوره ساسانی .

۱- در دوره نخست شهرنشینی به آژی در ایران پدید آمد و سپس در زیر نفوذ شهرهای بین‌النهرین از راه روابط بازرگانی با آنها در عهد هخامنشیان تاحدی رشد کرد . چند شهر در دوره مانها پایه‌گذاری شد . سازمان سیاسی و اداری مانها مانع بالندگی شهرها به صورت شهرهای خردنرمان بین‌النهرین برروهم مانع بجزر آمدن شهرها از

بود که بعدها در دوره ساسانی پدید آمد . امپراتوری مار از تکامل نظام اجتماعی قبایل و طوایف آثار دامکار و کشاورزی و تبدیل آن به یک اتحادیه بزرگ زیر فرمانروایی نرمانزبانان پدید آمد . پیدایش نظام شهرداری ، تسلط سازمان اداری دولت مرکزی بر حاکمیت های آزاد روستایی و دامدار و پیشم و شهرهای و رابطه گروهی این حاکمیت ها با آن دستگاه و - مخالفت دولت در جنبه های گوناگون اقتصاد جامعه و اداره شبکه های وسیع آبیاری و نیز گسترش زمین‌داری دولتی از همین دوران در جامعه ایرانی پایه‌گذاری شد . درین دوره شهرنشینی در مرحله رشد نخستین خود ماند ، چنانکه حمدان درکی که از شهرهای عمده امپراتوری مار بودند ، هیچیک چندان گسترش نیافتند و شهرهای بزرگ در اندوخته بنا نگراری نشد .

در ایران ظاهراً فقط شهرهای شاه نشین و هخامنشیان که غالباً با برج و بارو مستحکم بود شهرت و معروفیت داشتند . در شهرها اصناف پیشینه و آن شهرکی زیر سلطه - کارگران اداری وفادار های قیدی می‌گردد . پیشه - و آن که از شهرهای به رسمیت شناخته شده اجتماع

بودند، برای دستگاه امپراطوری کار میکردند و به نام «کورتش» خوانده میشدند. بیشتر آنان کارگران ساختمانی بودند و کورتش کارگران تخصصی و با آنکه حرفه و تخصص آنان مشخص گردید بود: «مثل سنگ تراشان، رودگران، مسکون و غیره»
 در دوره همچون دوره های بعدی، تقسیم کار میان کشاورزی و صنعت و تجارت در اجتماعات شهرها و روستاهای پدید نیامد. چنانکه کورتش های صنعتگران و کشاورزان هم در شهرها و هم در روستاهای زیستند و ازین رونما نوز - کشتاکشی میان شهر و روستا وجود نمی آمد.

از تحویل مسمی که موجب از دست رفتن خوردنیهای شهرها^ی خاورمیانه شد، گسترش امپراطوری ایران بود. زندگی شهرها بدون جزئی از نظام امپراطوری، از همین دوران رواج یافت و با تشییب و نوازهائی تا دوران ساسانیان ادامه یافت و سوانجام آثارهای اصلی روابط شهرها و امپراطوری در دوران اسلامی بی رویه کرد. ازین روز زندگی شهرها و روستا در بین - انهرین رفته رفته از میان رفت و شهرها و روستا جای خود را به شهرها و روستا به امپراطوری داد.

منابع سوق الحشیش و تجارتی مستلزم توسعه شبکه - جاده ها و امنیت حقوق بود. در کشور داریوش این - مسئله نیز حل شد. هر عدت میگویند که در شاهراه بزرگ و عالی که با کمال دقت نگهداری میشده و حاشیه کوچه - دریای اژه را بتوسطی مربوط می ساخته در اواسط سده پنجم پیش از میلاد مسفوره است.

جاده های که از سار با تیفلیس سابق تا شوش ممتد بوده ۱۱۱ مرکزیت داشت و عبور از آن، خود در طول یکسید. در دهه ۲۵ کیومتر توقفگاهی وجود - داشت که مانع از آنجا استراحت و بقیه کند.

۲- دومین دوره تاریخی در جریان بالندگی شهرنشینی در ایران گسترش سریع شهرهای یونانی وار در عهد سلوکیان و پارتیان - است.

سلوکیان که پیش از یک قرن بر ایران حکومت کردند از یک سوی همان دستگاه اداری حاکمیتیان را بکار گرفته و از دیگر سوی کوشیدند، جنگ و تمدن یونانی را از یونان به ایران بیاورند. از این جهت یونانی وار در ایران آمدند. از ویژه گیهای اساسی این دوران آمیختگی نظام اداری شاهنشاهی با سازمان دوطبقه یونانی است.

در زمان اسکندر سلوکیان شهرهای بسیاری بر اساس انگلی - دولت شهر یونانی بنیان گذارند. شهر یونانی طرفین -

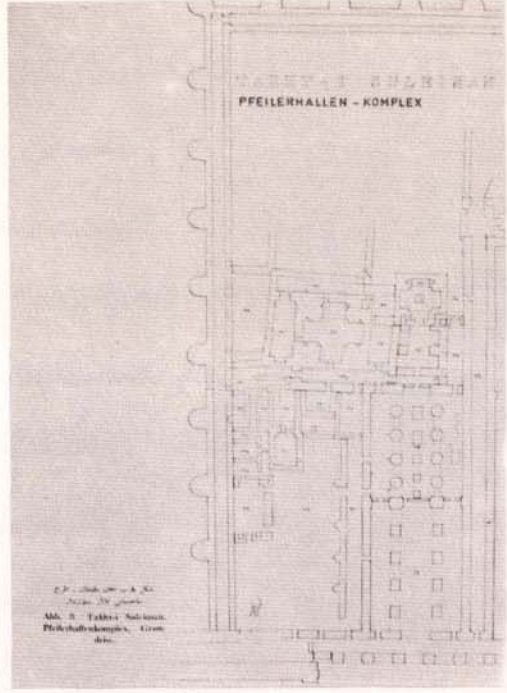
اجتماعی بسیار مناسب بود که هم میتوانست نقش سیاسی و هم نقش اقتصادی داشته باشد. این شهر از نظر سیاسی -

مسبب پیوستگی جانشینان اسکندر با بزرگترینهای ایرانی و سزمنیهای همسایه فراهم می آمدند، و از نظر اقتصادی در آنها

خود را با نوازهائی بزرگ تقسیم میکردند و فرمانروایان نیز که وابسته به اتحاد آنها بودند میتوانست منابع اقتصادی و بازرگانی شهر

ها را تأمین کند. بدین ترتیب شهرهای یونانی وار و نظام شاهنشاهی رضی عنایت حکومت سلوکیان شد.

یکگوشگاری یا میگردید: معمولا شهر در محل خاصی بنا نمیشد



نخت سلیمان

بلکه تریه یا نقطه ای مسکونی را مستحکم میکردند و حصارهای دور آن میکشیدند و در میان آن انبیه دولتی و عمومی را میساختند. بدین سان وضع تریه از لحاظ حقوقی تغییر میکرد و به شهرها -

«پولیس» مبدل و بنام جدیدی که باقی آن انتخاب میکردند میشد. آورده اند که اسکندر هفتاد شهر بنا کرد، اما اگر در فهرست نام شهرهای ایران بررسی کنیم، می بینیم ۱۱ شهر بدست اسکندر و سلوکیان بنا گذاری شده است. بسیاری از شهرهای آن زمان

با دکانهای نظامی بودند که در آنها مهاجران یونانی را می نشانند و با آنها منزلت یک شهر میدادند. برخی دیگر نیز همان شهرهای

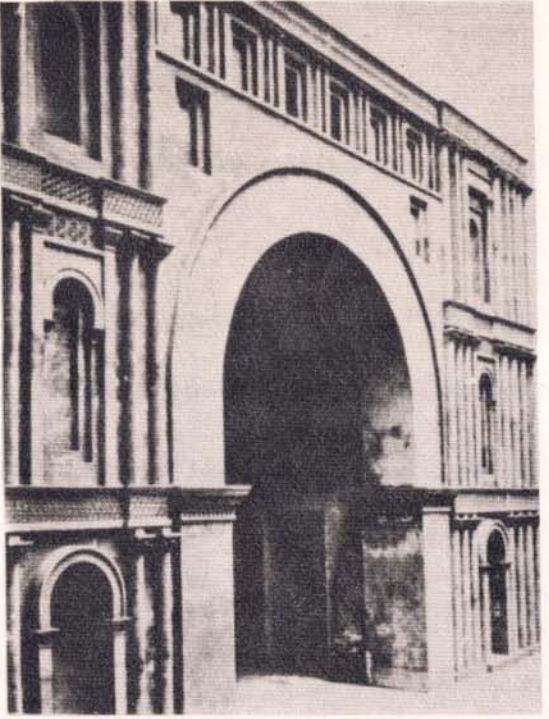
قدیمی بودند که پس از گسترش و توسعه ای به شکل شهرهای یونانی در می آمدند.

شهرهای یونانی وار در عهد سلوکیان بر اساس نقشه معینی بنا میشد. سیمای این شهرها شطرنجی بود و شکل مکعبی داشت

گوشه جلوه گوی تر بود. بدین ترتیب در دوره سلوکیان شهرها به چهار صورت بر می آمدند.

۱- تکی کردن چند دهکده در یک شهر.
 ۲- بالا بردن منزلت یک دهکده مهاجرنشین یونانی به حد شهر یونانی
 ۳- دادن حقوق و نوازهائی شهر یونانی وار به یک شهر قدیمی. چنانکه شهر کهن شوش در عهد سلوکیان اول چنین منزلتی یافت.

۴- بنا کردن شهرهای تازه در جاهای تاریک این نوع کمترین دیده شده است.



ایوان غریب کاخ اشکانی آشور

شهرهای یونانی وار در زمان سلوکیان سازمانی تشبیه یونانی - داشتند. بدین معنی که سازمان سیاسی شهر از یک مجلس ملی تشکیل میشد که شهروندان آزاد با حقوقی برابر در آن شرکت داشتند. و دیگر شورائی منتخب از شهروندان و کلاسی که شهر وندان آنان را انتخاب میکردند.

شورای شهر به آنها در امور اجتماعی شهر حق باز می داشت بلکه می توانست مالک زمینی شود و بخشی از زمینهای روستاها پیرامون

شهر، به شهر تفویض می نمود و بخشی دیگر به فرمانروای امپراطوری روستایان که در زمینها زندگی میکردند به شهر مالیت می بخشید

و شهر نیز بخشی از آن را به خزانه دولت مرکزی می فرستاد. باید یاد آور شویم که در شهرهای یونانی وار جز شهروندان، طبقات

بورگان و شهر نشینان بی بهره از حقوق شهروندی نیز می نشستند و این طبقات نیز همچون روستاییان هم از سوی شهروندان

و هم از سوی دولت مرکزی استثنای شده اند. چنانکه ریه بیشتر سازمان شهرهای این دوران بر آنند که -

است از حفظ شهر و دولت شاهنشاهی ادو حاکمیتش یعنی - مرکز اداری فرمانروایان و کارگران آنان در مفهوم شهر -

خود فرمانی یونانی - و اکنون درباره تشکیلات شهرهای این دوران میگردید: خود مختاری پولیس های مرکزی، بر خلاف پولیس های -

اهلی کامل نورو و نهد در زندگی و امور داخلی شهر تجاوز نمی نموده است.

مسائل مربوط به نظامی و دیوار کامل در صلاحت پادشاه میبایست است. اما اینها نماینده قدرت و حکومت پادشاه در محل بوده اند. نظارت مکرر و تماشای سلطان در شهرها مملکت شود. گذشته از این ممکن بود که پادگانهای شاه نیز در شهرها مستقر باشند. شهرها بلاواسطه تابع پادشاه بودند. ساوا سپه

پارتیان نیز کم و بیش همان سیاست مملکت را در باره شهرها دنبال کردند. نظرمیوسد که تعداد این شهرها در زمان

پارتیان به مراتب بیشتر شده باشد. چنانکه این عدد در اسکندریه از کیفیت شهرهای روم و اسکندریه که تنها مربوط به بخش اقله و پارتیان است. البته برخی از این شهرها در عهد سلوکیان و حتی مضافتی وجود داشته است. شهرهایی هم در این نهمیت هست که خوب پارتیان بنا کرده اند. همچون نواسه و کوریک یا لاش آباد.

تیموشن در باره شهرها و رونق تجارت میگوید: نظرمیوسد که پارتیان با این بزرگ شهرها بوده باشند. تجارت داخلی با اندک تجارتخانه های بزرگ و کوچک و بازاریهایی که حال آنجا که آنها در محله های مخصوص فروش میرفت رو به ترویج گشته است. وسائل حمل و نقل بهتر شد. هرگز جادهها مانند زمان پارتیان خوب نگهداری نمیشد. صنعت و پیشه فعالیتی داشت. از شهرهای معروفی که پارتیان بنا کردند: تیسفون و حیره در بین النهرین و دارابگرد و منور و آباد در جنوب شیزر و دامتولان نام بود.

دیواره و شهر که در زمان پارتیان گسترش زیادی پیدا کرده اند. اطلاعاتی در دست نیست. یکی شهر ناسه است در نزدیکی عشق آباد که یونانیان آنرا «پارتا و ناسه» میخواندند و دیگر در اردیوس است فکنار نوات.

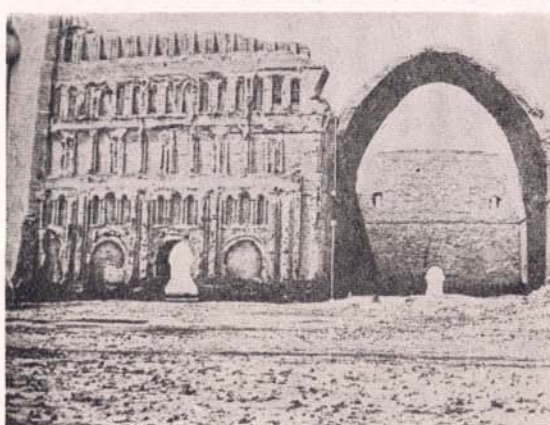
بر طبق کوششهای باستان شناسان شوروی در شهر ناسه

که از شهرهای دوره اشکانیان بوده در ۱۸ کیلومتری شمال غربی عشق آباد قرار دارد. شهر از سه بخش مرکب بوده: شهر

«یعنی اخص» و «وای که منور» و بخش ناسه بوده که زمانی تمام شهر را تشکیل میداده است. ولی در زمان پارتها شهر قسمه پیدا کرد و بخش اخیر را دیگر بیژر داخلی مبدل شد و بعد آن - حصار بلندکی کشیدند که فقط بوسیله یک دروازه با خارج مربوط بود. درین دوره که مصرف آب آن از داخل تأمین میشد -

میران خانه ها و ادارات کج میسکیم توانا و معبد توراتت خانه های مسکونی شهر گرد آمدند این بخش مرکزی قرار داشت تمام قسمت نیز حصار تهوری که در بعضی پارتان قویم شده محصور گشته بود و این حصار نیز بزرگ دروازه نداشت که در سمت مقابل دروازه تله بود. بجزی که برین دروازه معبری قرار داشت که شارع شهر شمرده میشد. در این بخش، مسکون شهر، خانه های بزرگان پارت و بازرگانان و کوریک ویژه پیشه و آن قرار داشت. بیرون این حصار دوم حومه شهر که جنبه کشاورزی داشته و آن نیز حصار (گلج) جنبه ای بطول هفت کیلومتر محصور بوده قرار داشت.

در عهد پارتیان خریدن و بیانی شهرهای یونانی وار به ناپودی بود - چنانکه ویاگرف درین باره میگوید: بسیار شاهان نوبه را داشت که در آن عهد بطوریکه از اسارت روم اروپوس و بابل برمیآید.



ایوان کوری در مداین



توشی قدیم

شخص واحدی در شهرها شامل مقام استراتگ «که انتخابی بود» و «پایتان» «که انبالا ملین میشد» بودند و ظاهر این وسیله مرکزی شدید در امور حاصل میگشته و سیاسی که نظر پادشاه بوده در شهرها اجرا میشده است.

قوی نیز این مطلب را تأیید میکند و میگوید: از اهمیت و نفوذ شهرهای یونانی و طبع در بخش غربی و نامور پارتیان - کاسه شده و بر پایه و قدمت سرشته داران حکومتی در شهرهای و شهریانان آورده گشت. بدین ترتیب در عهد پارتیان با آنکه خریدن و بیانی شهرها تا حدی نظام یافت، در زمان روم در آن نزول پیدا شد تا آنکه در عهد ساسانیان کلی از میان رفت.

موسس دوره تاریخی شهرنشینی در ایران باستان در دوران ساسانیان است.

گفته که دوران نهضت شهرنشینی رونقی نداشت و امپراتوران مابعد ساسانی تعامل به ایجاد شهرهای تازه نداشتند. در آن دوران اهمیت شهرها در اقتصاد جامعه کم بود و شهرها بیشتر خوبکاری اداری داشتند. در دوره دوم سیاست تازه شهرسازی و ایجاد شهرهای یونانی و روم به شهرهای یونانی رواج نداشت و درین میان از کلسو شهرهای یونانی وار رفته رفته استقلال خود را از دست دادند

و از سوی دیگر شهرسازی به دست فرمانروایان به صورت نهادی پذیرفته شده نماند. هرگز این گزارش ها از ساسانیان پذیرفته سیاست خود را درباره شهرنشینی بر آن بنا نگذاشتند.

این سیاست شهری در عهد ساسانیان به امپراتوری اسلامی منتقل شد و تأثیر زیادی روی زندگی شهری در دوره اسلامی گذاشت.

در عهد ساسانیان شهرها از شاخه های اساسی سازواره «و ادکیا» اجتماعی و سیاسی بشمار می آمدند. از آغاز این دوره در خصوص درون ششم، شهرهای بسیار پیدا آمد و هم آنکه شهرهای قدیمی گسترش رونق نداشتند. در واقع رونق تجارت و صنعت و گسترش شاعرانهای بازرگانی - بازرگانی و رشد شهرهای واسطه به دستگاه اداری نظام - «شهری» از میان رفتن نهادهای یونانی وار شهری و افزایش رخاقت دستگاه اداری در زندگی شهری و امور اصناف و بازرگانان و فعالیت های اقتصادی آنان از مهمترین ویژگیهای دوران ساسانیان است.

همه منابعی که در دست است نشان میدهند که نخستین پادشاهان ساسانی از بنیانگذاران بزرگ شهرها بوده اند. به گفته کوریک: اندیشم شهر تازه ساختند: اردشیر خوره، طام اردشیر، اردشیر، اردشیر، هرمز و ایزدین یا سون الهوزان -

ده اندیشو، استرآباد، پاساردشیر، و به اردشیر.

شاپور، هسپار شاه این دوران نیز شهرهای بسیاری بنیاد کرد که آنجمله: گندی شاپور، وه شاپور، شیناپور، بلکان اندیوشاپور، شاپور خوامت و بلاش شاپور است. سایر شاهان ساسانی نیز با شهرهای تازه ساختند و با شهرهای کهن را گسترش دادند. در این دوره ما شهرهای کهن (غرب ایران) مرکز عمده تولیدات صنعتی و داد و ستد بازرگانی بودند.

درین زمان ایران و بازرگانی بن المللی مقامی بزرگ داشت و روابط بازرگانی با چین، هند و عربستان و همیشه پیروان بود. تولیدات شهری و بازرگانی از صنایع عمده درآمد خزانة پادشاهی بود و در این ترتیب دستگاه حکومت وابستگی زیادی به اقتصاد شهرها داشت.

در این دوره شهرهای خوزستان و نیمه خوزستان عهد پارتیان انجمن رفت و روینا و ماخذ تاریخی دیگر اثری از اینگونه شهرها دیده نمیشود. شهرها زیر تسلط کامل دولت مرکزی پادشاه قرار گرفتند و به صورت پایتختی بود یا دولت نشاندگان بودند آمدند.

شهرهای تازه در ممالک شخصی پادشاه برپا میشد و دستهای بیرونی از اموال شهری باشد. چنانکه شهر همدان شهران پیش از این در بخش روستائی که از آن پادشاه بود تشکیل میشد و بعد حرکت ازین بخشها کارگزاری از سوی وی، امر را طریقی صافی و بسوی روستائی میکرد. شهرهای جدید ساسانی تشکیلات شهرهای قدیم را از دست دادند. چنانکه در شهر شوش که همه شهرهای یونانی و روم را داشت پس از آنکه در آنجا اعتشاشی بیاید به سمت شاپور هم کلبی و بران گردید و ساکنین آنهم معتمد شدند و بجای آن شهر تازه ای بنام اطلانق شهر شاپور بنا گردید. وی این شهر نظیر شهرهای دیگر ساسانی از اصول تازه و تجاری و صنعتی پیروی کرد و قصر پادشاه و سردارخانه ها مهمترین و اساسی ترین بناها



شوش قدیم

شهر را اشغال کرده بودند. درین ترتیب نظام شه پدزی تمیز و شهرها با یکدیگر همبستگی سیاسی و اقتصادی داشتند و در دوران ۱۱۰ ساله ای که نظام شه پدزی نامتوکل شایع بود

« پس از شاپور دوم تا ظهور قباد » شهرهای زلفی خوزستان کتب دارند اما با پادشاهی قباد و خسرو انوشیروان که دوباره - سیامت پادشاهان نخستین ساسانی را از سرگفتند شهرها زلفی پدید یافت و شهرهای تازه بنیادند.

در نامه تفسیر آمده است: که در زمان ساسانیان مردم به چهار دسته اجتماعی تقسیم میشدند و پادشاه سرور همه آنها بود. نخست روحانیانند « حکام و بار و زها و معلمان » دوم جنگاورانند و موران کارزار که خرد بروی نمید: سوم و پیاپی - سوم بریران و مستوینانند « اطباء و شورا و معجمان داخل طبقات ایشان ». چهارم بازرگانان، کسبه، پیشه وران و روستائیانند که آنها را « جهنم » خوانند و اینان بر بزرگان و اعیان و تجار و سایر محترم اند.

درین ترتیب مشاهده میشود که در زمان ساسانیان درین و بخش از رسته چهارم، یعنی مهنگان که شامل بازرگانان کسبه و پیشه وران میشدند است، مشرکهای متوسط و پائین اجتماعات شهری را تشکیل میدادند.

اجتماعی، نخستین بار در زمان ساسانیان به رسمیت شناخته شده اند.

چنین نظر می رسد که مهنگان یا توره مردم به دو گروه عمده تقسیم میشدند یکی هونخشان یا جنگجویان و شهبان و دیگری روستائیان یا استروپوشان. این دو گروه پیشی داشتند که شاه انصاف طبقات بالا برای آنان برتری میدادند و گاه برای وارید و جازاید. پیشی بالار و دیکیمه کم نداشت دیده شده است.

بین تویب بازرگانان و کسبه و پیشه وران نیز نژاد سراسر است - دستگاه اداری شه پدزی بوده اند و وظایف رؤسای اصناف و بازاریها گرداگردی خوگ بیده است.

دوره ساسانی شهرها مرکز عمده پیشه وران و بازاریهای بزرگ شد این شهرها بودند. در سرگذشت اسامی مسیحی « منبع نیکو نژاد ششم میلادی » آمده است که پیشه وران ایرانی در خصوص کفشگران سازان صنعتی و جفتن های صنعتی داشتند. هجرت جسم هائی که از مجامع روحانیون نستوری درون پنجم و ششم به زبان سریانی در دست است نه تنها به اعضای روحانیون - است بلکه عده ای از افراد غیر روحانی نیز از آنها آمده اند.

زیرا این صورت مجلسها اعضای نمایندگان گروهی از پیشه که عضویت پارتی ای بوده اند نیز دیده میشود. انصاف و دیگر چنین بر می آید که دهکده هائی وجود داشته است که ساکنان آنها به یکی



شوش قدیم

زیستگاهها مشغول بوده اند. چنانکه در دهکده بالوگنا جانی که آنها کی نوبت برای آسایش بعضی میشود ساکنان و زانی با تان و گانوران و چه بسیار گوزان زندگی میکرده اند.

گمبوشن دوباره زلفی تجارت و خدمات دولت در اقتصاد کشور میگوید: مرکز داد و ستد سابق تجارت مانند ایندوره تحت نظارت جنگی توارنگونه بود و این امر دولت را مجبور کرد برای وسایل مزایا حمل زلفی در جاده ها، ایستگاهها و کاروانسراها و آب انبارها - بسازد. همچنین دولت اعضا هائی تحت اختیار خود - داشت که مهمترین آنها ابریشم خانم بود که از چین وارد میشد و دولت با اعضا زلفی خویش تولید کننده به شمار می آمد و دارای کارخانه هائی بود. وی قدرت خود را حتی به بعضی - صنایع خفیه های - صنایعی که مستقیماً خرید و توجم دربار نشو و آوارا است بیده است بط داد.



انگ ۳

مبانی شهرسازی و سیمای شهرها:

شهرسازی در دوره ساسانیان رده‌ها کم و بیش یکسان بود. معبد ساسانی نکر کردند که بنا بر زمین چهاربخش دارد و شهرها باید طوری ساخته شوند که به چهار سوی دنیا گشوده باشند. «شاید بدلیل مساحت تجاری و سیاسی با کشورهای همجوار بوده باشد». پس شاهپروان پادشاه ساسانی پیشا بودا - بینگونه ساخت. نیای شهر متصل به قهندز و آنامه - شهرستان و اخراج ابراج و تقسیم اساسی نمود و محلات و عدالت بهم وصل کرد و خندق شهر و تهنندز بهم متصل کرد. و برج‌ها شب شهر چهار دروازه مرتب داشت: شرقی، غربی، شمالی و جنوبی^①.

شهری در محل کنونی اصفهان همچون دیگر شهرهایی که در دوره ساسانی بنا نهاده شده است. چهار دروازه داشت که یکی آن‌ها به دروازه جهردان معروف بود. ارض خوره یا نیروزا بار امروزی سبک شهر ماری ساسانی را بخوبی

① تاریخ نیشابور معصوم ۱۲۰-۱۱۹



انگ ۳

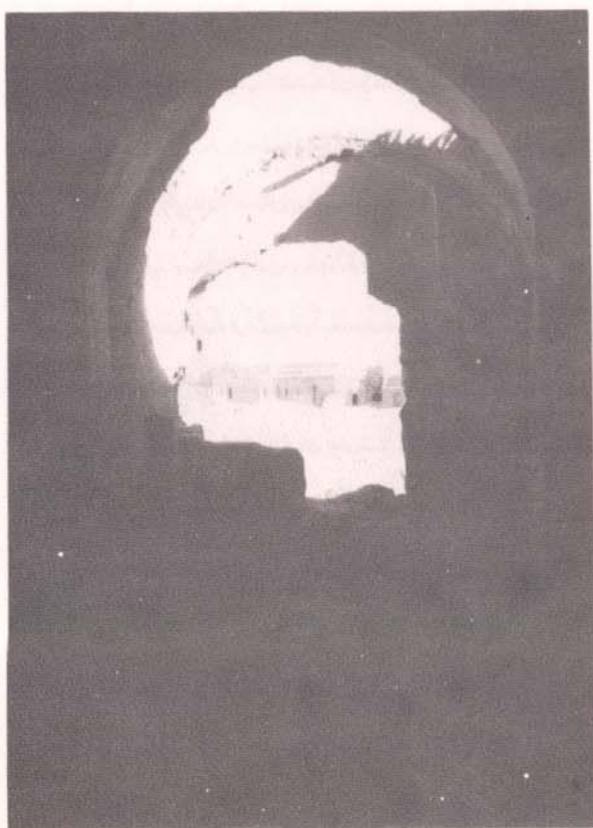
روستاییان که با هم در این جمع اجتماع بشاری آمدند. زندگی و کار میکردند. مذهب در همه از عوامل اساسی جگرگی - بخش شدن جبهه خواجگزار در محله ما بود. انوار هر محله با صنف و یک محله یا دایره می‌زیستند. همچنین بودیخ اهمیت های مذهبی چون میچیان، یهودیان و آسوریان، گاهی نیز پیشین در آن اسیران به زودیه شهرهای تازه سازی - آوردند و در محله‌ها یا دایره‌ها کاهن‌های مخصوصی می‌توانند.

روستاییان که در خارج گسترش شهر نشینی و از هم پاشیدگی جانشین‌های آزاد روستایی به شهرها در می‌آوردند و در محله‌های فقیر نشین حاشیه شهرها جای می‌گرفتند.

پس ترتیب شهرنشینی در دوره ساسانیان رفیق نروان گرفت و قصر صیانت زندگی شهری هم از نظر مینا و معمار هم از نظر بناها و سیمای آن بازگویی‌هایی به دوره اسلامی انتقال یافت و در شکل و سیمای زندگی شهری در دوره اسلامی تأثیر نروان نهاد.

شان میدهد. این شهر عبارت بود از یک شهرستان با چهار دروازه و به چهار سمت عالم در بعضی نداشتیم. در وسط - شهر عبارت بود از توار داشت که ایران یا آله‌ها می‌نویسند. در دروازه شهر در کنار استخر آب، معبد آتش پرستان بر پا کرده و به ناصبه یک فرسخ از شهر باغات و باغ‌ها کشیده - شده بود و بر روی کوهی در سمت شرقی شهر تصویر کازانها می‌ساختند با نام گنبدکا جهانانده است.

شهرهای عهد ساسانی، در بعضی شهرهای ایرانی، پس از سلطنت تبار شهرهای ایرانی در دوره اسلامی بسیار - هم ساختند. کهندز با دیوارهای بلند خود، بخش نظامی شهر بود. قسمت اساسی شهر در شهرستان بود که در کنار کهندز توار داشت. بازارها بر روی دروازه شهرستان توار داشت که در دوره اسلامی بعضی خرید و می‌فروختند و گاهی دیوارهای گویا گرد آن میکشیدند. کشتزارها در حاشیه - شهرها جا داشتند. در بازارها، محله‌های شهر و روستای گویا در شهر جبهه خواجگزار یعنی بازارگانان، کسب، پیشه و



انگ ۳

شهرنشینی در دوره اسلامی

این سده یکوا داده باقی و سوک دیگر از کوفی توار دماهای زندگی شهری اسانی پیدا آمد. در این دوره وضع سیاسی و اداری و نظامی به انحصار و اجتماعی شهرمندان پانچا ماند و بخاطر وسعت امپراطوری اسلامی و گسترش بازار بازرگانی و رونقهای مساجد و چهارم شهرنشینی رونق نوازان یافت و بسیاری شهرها در کون شد. در دوره اسلامی سازمان های شهری نیز در یاد گرفته زندگی شهری اهمیت زیادی پیدا کردند و مسجد آریه (مسجد جامع) از اجزای اصلی نظام اجتماعی شهر شد. دامنه دوره شهرها و وسعت های پرامون آنها در نظام های منطقه ای به یکدیگر پیوند خوردند و مجموعه همبسته ای پیدا کردند. همبستگی نامتناهی صنایع دستی و بازرگانی با فانیتهای کشاورزی بود. بدین معنی که تقسیم کار میان شهر و روستا به آن صورتی که در شهرهای نوین و سلفی اعیانیه حشد در منطقه شهری شکل گرفت.

در عراقی که در مرحله پیرو یکی از مذاهب اسلامی بود، وقت و همبستگی محله های یک شهر با روستاهای اطراف که هم منتهب آنها بودند بیش از روستاها به تولیدات صنعتی می پرداختند. با اینهمه شهر و روستا بهم تفاوت های پرلمتی نیز داشتند. یکی از نکاتی که باید از ابتدا در نظر داشت این است که شهرهای ایرانی در دوره اسلامی که از تون را در بر میگیرد در مناطق نا حکمون رشد کرده و از مراحل گوناگونی گذر کرده اند. اما در این نوشته توجه ما بیشتر به ویژه آنها و حتماً این است که در مناطق و دنده های مختلف وجود داشته است. در این حال در عصری که تفاوت های زمانی و مکانی اهمیت خاص داشته باشند به آنها نیز اشاره میکنیم.

مفهوم شهر

شهر چه در دوره باستان و چه در دوره اسلامی با یکاه ملت و جا یکاه دستگاه اداری نظام سیاسی شه پدکی بوده است. مفهومی جنون یاران بر عهده او آخر تون سیم و اوایل تون چهارم

از حفته نام شهر نام اصرار «جمع مصر» ، حقنا و هفت باقیقت ایالتی که قهندر داشته اند نام فصلت ، تعداد زیادی شهرهای ایالتی بنام ملان ایملان ، مناطقی روستائی بنام نواحی و دهات یا توار سخن میگوید : بدین ترتیب سه نوع شهر را در دوره رونق شهرنشینی (از تون سوم تا ششم) میتوان تمیز داد. مصر ، قصبه و مدینه . مقدس میگویند که «مصر» به لغو نقبا سکونتگاهی است که امیری در آن باشد که دخل و خرج آن بر بزرگ و روستاهای اطراف را اداره کند ، همچون نلبس و نوزدن . مصر به نظر اصل لغت هرگونه مکانی است که این وجهیتی و دومین از محدود باشند. همچون مصر و ارجان . و عامه مردم هر شهر کلانی را مصر خوانند. همچون کاد و مصل.

به نظر مقدس مصر شهری است که سلطانی بزرگ در آن مستقر باشد . دیوانها در آن متحرک باشند . ناحیه هایی داشته به آن باشد که هر کدام شهرهایی داشته باشند . سلطان بزرگ امیران نواحی و شهرها را از آنها بگمارد مانند دمشق ، شیراز ، سیزد . بدین ترتیب مصر شهری بزرگی در نظر میاید که در تقسیمات کشور جا یکاه بالاترین مقامات سیاسی بوده است . در آن زمان شهرهای بزرگ را ما در شهر نیز میخوانند چنانکه نویسنده تاریخ مبعثی گوید : هر ولایتی را می است فیضی اصلی ام القری در عرب مکه باشد و در عراق ام القری بصره بوده است ، آنکون بغداد است .

این گونه شهرها را امهات المبلدان نیز میخوانند و اند . چنانکه یا قوت حمکی و دیگران از شهرهای دیوان امهات المبلدان یاد کرده اند .

قصبه به گفته مقدس باقیقت ایالتی بوده است ولی در دوره های بعد باقیقت حرکت از واحدهای اصلی تقسیمات کشوری را به این نام منیاسه اند . یا قوت

حمیری در تقسیمات کشوری آن دوران بایستی توجه شرح داده است :

ولایت به معنی استان امروزی ، کوره یا استان به معنی شهرستان امروزی ، رستان به معنی بخش امروزی ، طسج به معنی دهستان امروزی و تویه به معنی ده امروزی . مثلاً در معنی تقسیمات کشوری استان نارس چنین میگوید . ولایت نارس کوره است و رستان نوز ، طسج نایش و تویه ناستان . بدین ترتیب شیزد قصبه ولایت نارس ، اصطخر قصبه کوره اصطخر نوز قصبه رستان نوز ناستان قصبه طسج نایش بوده است .

این مفهوم از قصبه مانند مفهوم شهرستان در دوره ساسانی است که مرکز اداری تقسیمات مختلف کشوری بوده است . موسس نوع شهرها که مقدسی از آنها یاد کرده مدینه است ، مدینه واژه ای آری است و مفهوم امیلی آن با مفهوم شهرستان در زمان پهلوی بسیار نزدیک است . مدینه جایگاهی است که عزالت در آن اجراء میشود و مقر ولایت یا فرمانبران حکومت است . مدینه لغزشه از نقش اداری و سیاسی مدینه نیز داشته اند . شهرهای سلفان سکونتگاهی بود که در آن وظائف مذهبی و آدابهای اجتماعی خویش را بطور کامل تحقق بخشند .

یکی از رسوم مذهبی سلفان ادای نماز جماعت در ظهر جمعه است از پی و مسجد آریه رفته رفته عنوان یکی از اکان اصلی زندگی شهری و یکی از مشغلهات اساسی شهرهای اسلامی درآمد . در اثن دره اسلامی هر سکونتگاهی که داعی بوده جمعیت آن به اندازه ای باشد که تطاعت مذهبی در آن یاد شوند و مسجد آریه برپا کنند ، منبع شهری پیدا میگرد . اهمیت مسجد در تعریف شهر اسلامی تحولاتی پیدا کرده و از چند جمله گذشته است .

مرحله اول مربوط است به ابتدای ظهور اسلام که هنوز مسجد صرفی ساده داشت .

مرحله دوم مربوط است به عهدی که در واقع مسجد و قدرت امپراطوری اسلامی همبستگی نزدیکی پیدا میکند .

در مرحله سوم که مربوط به خلافت عباسیان و شکل گرفتن امپراطوری اسلامی است ، رفته رفته مسجد و قدرت سیاسی حکومت از یکدیگر جدا میشوند .

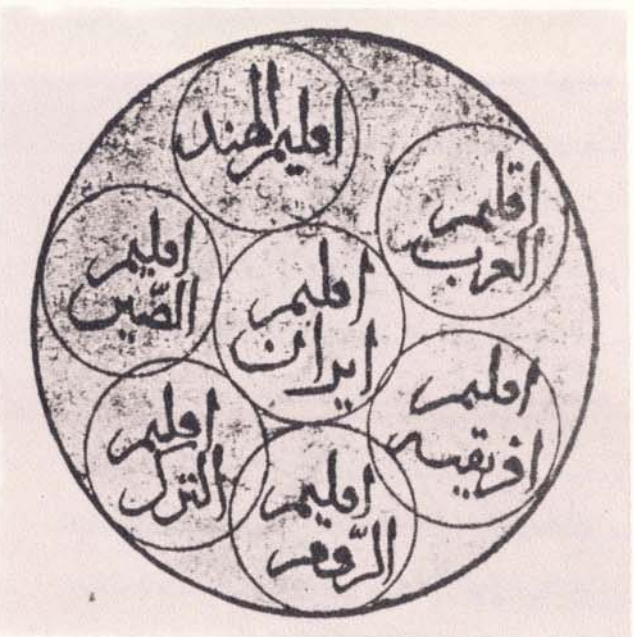
و سرانجام در مرحله چهارم که از تون ششم آغاز میشود و شکل وقوع ساجد دیگر گونهای بنیادی جوه گرفته شود . در دوره دوم و سوم ساجد مهم ترین وجه تمایز شهر از ده هستند . مسجد آریه یا مسجد جامع مشخص کننده حرفت شهرها در اجتماعات اسلامی شمار چا میزد .

چنانکه در زمان هارون الرشید یکی از عوامل عرب از پی خراسان که چون اعواب رستم سکونت گزیده و استقرار یافته اند تم را کوره و شهری گرداند به انوار و جنبه ادیان نهاد تاریخ نماز جماعت و عیدین به استقلال بگزارند و احتیاج باشد ایشان را از برای جبهه به کوره دیگر رستن و نماز کردن .

در دوره چهارم دیگر گونهای اساسی را اجتماع اسلامی و زندگی شهری است که خریدار دیگر گونهای دیگر در آنها و بنیادهای اجتماعی حموه بوده است ، خلاصه آنکه این دیگر گونها جامعه اسلامی را از وحدت نخستین که در نزدیکی منتهب حکومت متعلق داشته است به دعه ای سوق میدهد که در آن امپراطوری های اسلامی با منابع منطقه ای وجهانی متفق میشوند و سرانجام جنبه اجتماعی مذهبی اسلام از پی سیاسی امپراطوری جدا میشوند این دیگر گونها در بنیادهای زندگی شهری اثر میگذارد و ملامت تقسیم شهر بر اساس رستن مسجد آریه را متزول میکند . چرا که در آنها رهنمایان دره چهارم بر وجه بنیاد گوناگونی بر میخوریم که مسجد آریه یا مسجد جامع در

دست‌ها و ریه‌ها نیز پاره می‌شوند.
 کتاب تفصیل بلخ آورده است: که ریشتر برای انسانان،
 «دیده‌های ری» مسجد آریه و بازار بود و با آنکه این در طولم گوید: عیالاً
 توپه بزرگی است و مسجد ها و دیوارها و مسجدی متعدد دارد.
 به بیان دیگر شهر با بدستاً مسجد جامع داشته باشد. اما چرا که -
 چنانچه نامت مقام و منبع شهری پیدا نمی‌گردد. شهر دو نوع -
 سکونتگاهی بود که هم مرکز اداری می‌انداختند و هم مقامات کشوری
 بود هم مسجد جامع داشت.
 یکی دیگر از خصوصیات شهرهای اسلامی وظایف بازرگانی و
 صنعتی آنهاست که دیوارها و چهارسوق‌های بزرگ و کوچک
 و سراها و کاروانسراها انجام می‌گرفت. دیواره بازارها و
 اصناف و محلات شهری که از اجزای پراهمیت و امکان
 زندگی شهری در دوره اسلامی مستند، نظام بررسی دوران
 مختلف ایران بدان اسلام سخن خواهیم گفت.

بنیان‌گذاری، گسترش و زوال شهرها:
 هنگامی که اعراب امیرالمؤمنین ایران و امیرالمؤمنین هم شرقی را
 گشودند، شهرنشینی در این مناطق رونق ندادند داشت و
 بخاطر آنکه نظام شهری از لحاظ اساسی نظام سیاسی در شرق
 میانه بود. کشورگشایان عرب برای استقرار حکومت در
 مرزهای بغداد امیرالمؤمنین اسلامی یا گرفت که در دوره امیرالمؤمنین
 اسلامی بنیان‌گذاری شد.
 نخستین شهرهایی که کشورگشایان عرب بنیان‌گذاری کردند
 اردوگاه‌های نظامی بود که رکنار شهرهای قدیمی برپا می‌کردند
 همچون فرستات و یا قاهره قدیم که آنرا در نزدیکی قلعه روی
 بابل در جنوب شهر قدیمی آن یا حلب و ولوسیا بنا کردند.
 گاهی نیز شهرهای تازه ساز را در کنار سکونتگاه‌های قدیمی -
 برپا می‌کردند. همچون کوفه و قیروان. در مواردی نیز کشور
 مشایخ عرب شهرنیزگی رکنار شهری که پایتختی گزیده و

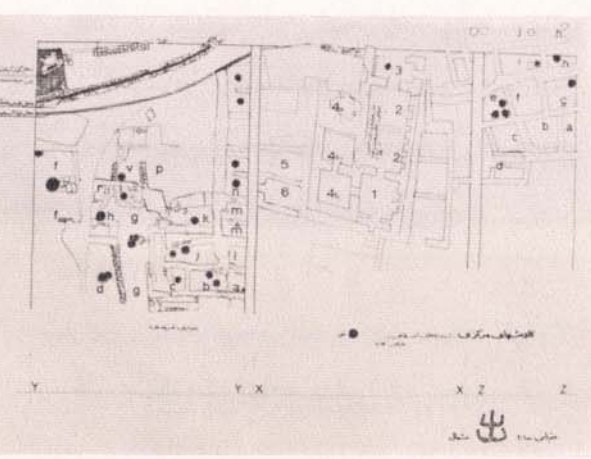


خیزش بابی

بزرگ‌گشوده بودند بنایی کردند تا سلطه امیرالمؤمنین را بر آن
 نسبت کند.
 گاهی نیز شهرها را ساز نشان قدرت و وحدت سیاسی امیرالمؤمنین
 اسلامی بود. چنانکه شهر فوشاد در نزد مرکز روحانی و سیاسی -
 خلافت عباسی بود. گاهی نیز تله‌های نظامی گسترش پیدا کرده
 و بصورت شهرهایی که وظیفه اداری و نظامی داشته می‌آمدند.
 مانند باطرا یا صنعت کوفی مراکش. نوع دیگر شهرهای تازه -
 ساز شهرهایی بودند که در مرز بین ایران و خاندانهای باختر -
 پیشوایان مذهبی بنا می‌کردند. مهمترین نمونه آنها، کربلا،
 مشهد و قم است.
 در ایران نیز شهرهای مهمی در دوره اسلامی بنیان‌گذاری شد و
 از جمله: شیراز، قم، مشهد، کاشان و مراغه. برخی از
 شهرها نیز در دوره اسلامی دوباره سازی شد و اهمیت خاصی

یافت. همچون: ری و اصفهان.
 بنیانهای زندگی شهری در دوره اسلامی شامل حکومت، است،
 اصناف و معیشت است. در شهرها، سازمانهای اجتماعی
 دیگر نیز نگاه اهمیت یافته‌اند، که مهمترین آنها انجمن‌ها
 می‌باشند. انجمن‌های خوت، قوه‌های موسیقا و درواش
 و در دوره ساسانی جوانان و زنان در لغز آن است. آنها نیز از -
 اجزای نظام اجتماعی شهر بودند. در این تزیین شاهده می‌شود
 که اجزای اصلی نظام اجتماعی شهر با اجزای سیاسی شهر رابطه -
 نزدیک دارد. که نهاد و دارالحکومت مرکز اداری و حکومت شهر،
 مسجدها در مرکز مذهبی، بازار مرکز اصناف و معاملات
 شهر مرکز زندگی گروه‌های اجتماعی، قری، نزاری و خدیجه بوده -
 است.
 این خصوصیات در طی دوران اسلامی کاملاً برقرار و دارای
 موقیتهای خاصی می‌باشد. ولی آنچه تماماً نوزاد شهری دوران
 مختلف اسلامی ایجاد می‌نماید وجود قدرت بیشتر و
 یا چند عملی‌تر شده و تحت تأثیر قرار دادن دیگر عمل است که
 اولاً تغییراتی در رسم‌های شهری ایران ایجاد کرد.
 دیباچه، قصر یا شاه و مقامات بلند پایه کشوری و منجمله
 پدید می‌آید. در مراکز آنها دایمی و حکام و عمالان حکومت
 می‌کردند و شهرهای کوچکتر که مرکز اداری و ولایت و ولای کوچکتر
 و بخشها بودند، حکومت‌های ایلاتی، حاکمانی بر آنها می‌گماردند.
 امر عده اداری و سیاسی شهر را می‌توان بر چند گروه تقسیم کرد:
 امر اصناف و سازمانهای شهری، امر قضائی و امر نظامی
 شهرها. در شهرهای ایرانی در دوره اسلامی برای انجام هر یک
 از وظایف مقامات می‌بهره‌آید. اداره امر اصناف و بازرگانان
 و محلات شهر ابتدا بر رئیس دیباچه با کلاستر شهر بود. امر -
 قضائی بطور کلی با سه گروه دادگاه بود: محاکم، مظام، محاکم
 شرع و محاکم حسبیت. امر نظامی شهر با ارتش و بعضی
 «باستان» بود. کلاستر اداری وظایف شهر را بر عهده -

داشت و در دوره دوران رئیس شهر با بی بود و در آن هر یک
 از محاکم سه گانه به ترتیب: حاکم، نایب و محاسب
 قرار داشت.
 مقام کلاستر لقبان رئیس اصناف و معاملات شهر و لقبان
 واسطه میان حکومت و مردم از دوره حکومت ترکمانان در
 قرن نهم هجری در متون تاریخی دیده شده است. در آن -
 دوره عنوان کلاستر و رئیس مردم به کار می‌رفت و در دوره حکومت
 آق قویونلو و حکومت صفوی ما فقط عنوان کلاستر را
 می‌بینیم. عنوان رئیس شهر از زمان حکومت سلجوقیان
 به کار رفته است. رئیس معمولاً اختیارات و قدرت
 بیشتری از کلاستر داشت. در واقع لقب نایب رئیس به کلاستر
 همواره برده است. از آن قدرت معاملات محلی در شهر
 در قرن پنجم پیش از ظهور حکومت خوارزمشاهیان و طوس یک
 رئیس داشت که معمولاً از اعضای یکی از خاندانهای مهم محلی
 بود. گویا این امر در محلی را نیز ممکن بود از بخارا به این شهر
 اعزام دارند. در نیشابور رئیس از اعضای خاندان معروف -
 آل سیلان بود و این عملاً همان شهر رونق شد. در دوره حکومت
 ترکمانان در قرن نهم در اسناد و مکاتبات تاریخی لقبان رئیس
 کلاستر بر می‌خوریم. چنانکه خلیفه ایران مروشی در او خوارزمشاه
 نهم به رئیس شهر نیشابور اشاره میکند: مهمترین وظیفه



معدن آناهیتا - کنگلد. دوران پیش و بعد از اسلام

کلاتر نیز سهم علیا بود صنف بکف ریش سفیدان و تویب
گردآوری آن بود گذشته از آن گواهی نامه استاز کلاهی و احکام انصاف
ریش سفیدان اجابت کند خدایان محلات نیز به پیشنها داعفا
آنها در انصافی وی عارض میشد.

در دوره صفویه محلات شهر اصفهان به سه قسمت تقسیم
شده است: پنج محله جدید، پنج محله قدیمی و یک محله
چهارم نشین. هر محله یک کتخدا و محلات جدید کتخی هر
کدام کتخدا باشی داشتند که زیر نظر کلاتر شهر بودند. در همین دوره
دفتران کلاتر مانند اصفهان و کلاتر در نشینان بفرز نیز بر مبنای
محاکم از ارکان دیگر حکومت شهری بودند. همانطور که تقسیم
محاکم به سه نوع تقسیم میشدند و محاکم و کلاهی در حقیقت
داشتند.

محاکم نظام با محاکم عرف به ریادی جزئی رسیدگی میکردند و
ریاست آن با محاکم شهر یا دیوان بکی و یا دیوان بزرگ بوده است.
ریادی قضائی با محاکم شرعی رسیدگی میکردند که ریاست آنها با
کتخدا و روحانی بزرگ با فرمان شاه با محاکم مصوب میشدند.
امردیوی بوزان محقیان سلطت و ریاست اصول بوزاری
حرفه ای با محاکم حسبییت بود و محاسب مقامی روحانی -
بود که بر آن ریاست میکرد.

در دوره صفوی برای نظام روحانیت در دستگاه اداری کوشش
میشد که مقامات عالی رتبه روحانی مقامات رسمی کشوری -
باشند.

دوره تجاری نیز همین ریش کم و بیش ادامه پیدا کرد ولی
رشته از اهمیت محاکم شرعی در برابر محاکم عرف کلی کاسته
شد. تا آنکه با اصلاحات جدید قضائی و تشکیل وزارت
دگستری سبب محاکم شرعی کلی بر حیده شد.

سازمان مذهبی شهر:

سازمان مذهبی نیز با جدیدن در ضلع و تقویر مراجع تقلید و تصدیه
و سایر مقامات روحانی همچون شیخ الاسلام و امام جمعه در -
شهرهای اسلامی مهم همچون مکه، مدینه، تبریز و قم و همچنین جاهد
شهری بودند هم از عوامل سیاسی رسته مذکور ما و سفینه جوئی
میان نوجوهای آن دوران در میان شهر نشین و مدلس مذهبی و
علمای سازمان و تشکیلات منظم و قدرت اداری و سیاسی و
نظای نداشتند وی حکومت مرکزی از آنها حمایت میکرد و
از همین روی اهمیت تشکیلی و انگلی تقابل میان حکومت و ولایت
برقرار بود.

در دوران جهاد در شهرهای ایرانی دوره که مؤثر آموزش متوسل
و عالی بود اهمیت زیادی پیدا کرد و شهرها دوره های نیرومندی
از روحانیت و مسالمت که سازمان غیر رسمی و سلسله مراتبی -
داشتند تشکیل شد. مساجد و مدارس در وقت نیاز
مجموع کما حقها و حتی بازار عبادت را در اختیار داشتند و
پیشروان و بازگانان به آنها انگلی میکردند.

علم و تقوا از ادبیل دوره اسلامی به دوره متمایز تقسیم میشدند
اولی گروهی که بیشتر به دنبال امور دنیوی و قدرت سیاسی بودند
و دیگر گروهی که بیشتر به امور مذهبی و علوم الهی و معارف الهی
میل داشتند. بدین است که گروه نخست با دستگاه حکومت
ارتباط نزدیک داشته و مباحثی قدرت اقتصادی آنان حقوق

دینی و همچنین نظایر افاضی و موقوفات دینی بود و بدین تویب
در دوره سرآمدن سیاسی جاداشتند. حال آنکه دوره دوم امروز
محلات و بازاریان تویب بودند و مباحثی قدرت اقتصادی آنان
بیشتر هدایای مردم و موقوفات آنان بود.
مدلس نیز از ارکان اصلی سازمانهای شهری بشمار می آمدند در
بیت المقدس این مدلس سازمان رسمی داشتند و از حیث
عمری برخوردار بودند و با یکدیگر پراهمیتی در نظام شهری نیست آریه
بودند. همچون مدرسه قیسی در بغداد. اما در شهرهای ایرانی -
اهمیت مدلس آن پای نرسید. همچنین مدلس حنفی و
شافعی که تنها از حمایت کمی مردم برخوردار بودند ولی سازمان و
تشکیلات منظمی از آنان حمایت نمیکردند.

از قرن نهم به بعد نیز در باره علمای روحانیت در شهرها قدرت
گرفتند. در زمان شروانشاه خاندان شیخ صفی در ایران
و قوامی الحوائج آن عملاً حکومت میکردند.

محلات شهر:

محلات شهر سرنگاه گروههای قوی و نواری و مذهبی و
صاحبان هوشم ما بود. در شهرهای بزرگ گاهی هر محله برای
خود شهری بر نیم مستقل ایجاد ما. مساجد، گنباها و
سازمان اداری مشخص که وابسته به حکومت شهر بود.

بر خلاف مرکز اداری و تجاری و مذهبی شهر که تا حد زیادی نفوذ
همسنگی نظام شهری بودند. محلات شهر چو گاه تضادها و
پراکندگی ما بودند. همانطور که پیش ازین گفتیم از ابتدای بیان
تکذاری شهرهای اسلامی بنابر عصب و همچنین اهالی شهر حاد
پنجاهی امپراطوری اسلامی هر یک محله ای برای خود میگردند که
بازارچه و مسجد و گنبا ای خاص آنان داشتند. مثلاً مقصم
محکام بنایگاه ای سمره تیران داد که اهالی قریه و ترکها
محلات جداگانه ای داشته باشند تا با عوارض برخوردار پیدا
کنند. یا آنکه در بغداد حوسبیه ای. محله ای داشت و اهالی
خراسان محله جداگانه ای داشتند. انطالیم همچنین مدلس
و دمشق شهر واحدی نبود. بلکه محصوره بی دیوار چند شهر
که مرکز اجتماع قوی و مذهبی خاصی را تشکیل میدادند.
گروهها مسیح و صبی مشنرکی با هم نداشتند و جدا از هم زندگی
میکردند و هر یک آداب و رسوم و قوانینی خاص خود -
داشتند. خانوارهای این محلات با یکدیگر روابط اجتماعی
نداشتند و از رواج میان گروهی رسیع نمیکردند. حتی مسلمانان
عربی و ترک به مساجد یکدیگر نمی رفتند. در چین اوضاع و
احزای هر محله برای اعضای خود بوده است و از نوع گروه خود
می بود. و محلات دیگر برای آنان گروه بیگانه بشمار می
آمدند.

شهرانظاکیم به ۴۵ محله کوچک و بسته تقسیم میشد که گاهی مدونها
 مستقل تشکیل میدادند گاهی نیز این سولهها خود محله ای بودند در داخل
 محله ای. هر محله رئیس برای اداره عمومی محله داشت بنام -
 مختار و یک رئیس مذهبی داشت بنام امام و شورای ریش مندان
 و پلیس محله و شگردان. در ماوراءالنهر نیز در اوایل دوره اسلامی
 شهرها به محلات مختلف تقسیم میشدند وی مانند شهرهای
 بین النهرین بوسیله دیوارها از یکدیگر جدا نمیشدند.

نیشابور ۴۷ محله داشت. هر محله جولا همان که محله ای متوسط
 بود و بیش از ۳۰ کچه داشت. محله نصرآباد که بالنسبه محلات
 شهر بود بزرگترین و سکونتگاه علماء و بزرگانان بلند پایه بود.
 در آن محله هم بزرگانان مقبره زندگی میکردند. برخی از محلات
 نیز به محل حرمه مین اختصاص داشت. اهالی شهرهای دیگر نیز
 محله ای خاص خود داشتند مانند محله کوماتیان در شهر بلخ -
 بیروان هر یک از مذاهب دینی بویاتیان، یهودیان و مسلمانان
 در محله ای جداگانه می زیستند.

ابن بطوطه درباره شهر سواپا تیخت تا نا راها، میگوید: مردم از
 طایفه های مختلف اند که اهل عراق عجم و عراق عرب و مصر
 و شام و دیگر جاها هستند. در محله نخبه ای که با روی گرد آن
 کشیده اند منزل میکنند. همانطور که گفتیم در مواردی که محلات
 شهر میان نوبه های مذهبی که با هم رشتنی داشتند تقسیم
 شده بود. محلات بزرگ هر کدام برای خود شهری بودند با
 بازارها و مدارس و مساجد و کتابخانه ها. محله های بی بازارها
 و سپس به دروازه ها ختم میشدند اندوه محله بزرگ -
 بازاری داشته. چنانکه ۲۷ محله و ۱۶ بازار در شهری
 شامه شده است.

اصطخوری درباره هم گوید: روز آینه در سه مسجد نماز
 گذارند. در بازار مسجد خواجه و در بزرگان مسجد اهل
 سنت و در قلعه شرح مسجد دیگری بود.
 در موارد بسیار و ستائیان مهاجر نیز در محله خاص -



مکنت می گردیدند یا آنکه اساساً شهر از نوسه چند روستا
 پدید آمده بود.

یا قوت بجزئی نشان میداد که گاهی تیره ای در داخل شهر و گاهی در
 جزو محلات شهر شمار میاید. محلات شهریک واحدا داری
 نیز شماری آمدند. هر محله رئیس داشت که در مناطق دور و
 مختلف بنام شیخ که در ریش سفیدان و مانند آن خوانده میشد.
 رؤسای محلات نیز نظر حاکم شهر و اکتا تر شهر بودند.

محلات واحدهای اصلی روابط اجتماعی در شهر حا بودند و پیش
 از هر واحد دیگر شهری همبستگی و یگانگی و همگونگی مذهبی، قومی،
 خانوادگی، طبقات اداری و حرمه ای داشتند. در واقع شهرهای
 اسلامی مجموعه بودند از اجتماعات کوچک محله ای با تمام
 خصوصیات جامعه شناسی یک Community -
 و لهزی اجتماعی و جغرافیائی است.

سیمای شهرها:

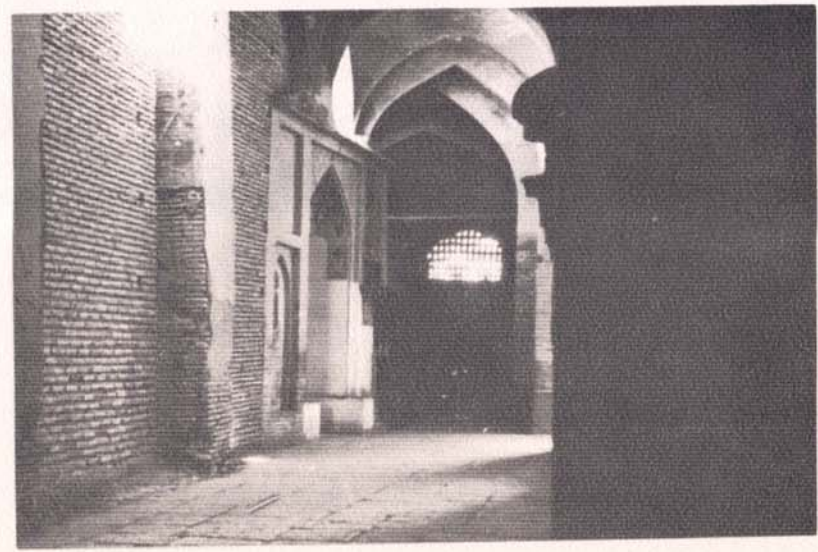
شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان گذاردند دو پایه اصلی
 داشت. یکی مسجد جامع و دیگر بازارها. چنانکه اشاره کردیم
 مسجد جامع در اوایل اسلام مرکز مذهبی و سیاسی بود.
 بنای جامع به عنوان مرکز روحانی شهر و منطقه زیر نفوذ آن -

در محل مناسبی کنار راسته اصلی شهر و یا در محل برخورد راسته ها
 اصلی بنا میشد.

در کنار جامع بنای عمارات اصلی دولتی جا داشت که توارنگاه فرمانروا،
 یانایبان او بود. مسجد جامع مرکز اجتماعات سیاسی و ابلاغ -
 قوانین و خواندن خطبم بنام فرمانروا بود. مسجد جامع گذشته از آن
 که کارگردنکری و علمی داشت مرکز آموزش عالی نیز بود. در سوی
 دیگر مسجد جامع و گاهی گوناگون آن بازارها قرار داشتند.

نخستین بازار در کنار مسجد جامع بازار نورو شنندگان اشیا
 مذهبی بود. مثل شمع نورشان، عطاران و مهور و تسبیح نورشان
 و در کنار آن بازار کتابفروشان و بازار صحنان و سپس بازار
 چیز سازان. پس از آن نوبت به بازار پارچه نورشان میرسید
 که مقصود نام داشت و پراهمیت ترین مرکز بازرگانی بازار بود و
 معمولاً محوطه ای بزرگ و سرپوشیده بود با راه های بزرگی که شبها
 بر آنها نقل می زدند. گذشته از انواع پارچه ها، کالا های گران قیمت
 دیگر نیز در این بازار نگاه میداشتند و خرید و فروش میکردند.

اهمیت اقتصادی مقصود بنیان مرکز اصلی بازار آن -
 جهت بود که صنایع نساجی دیوارهای اسلامی پایه اقتصادی
 بازار بود. پس از مقصود بازار درودگران و مسکوران و قفل -
 سازان و پس از آن بازار حلبی سازان و پالان روزان جا داشت
 که نزدیک دروازه شهر بود. در خارج دروازه بازارهای مردم -
 روستایی و خورشندگان دوره گرد و سیله ران و سبغورشان



و مانند آن قرار داشت. در حومه شهر ضایعی نوسه ایته بود که بی -
 زمین بزرگ نیاز داشت. و از نظر آوده نگردن محیط جای آنها
 در بیرون شهر بود مانند ریخ خانه ها، رنگر خانه ها، خیال سازی،
 کوره های آجرپزی و رنگر خانه ها و سلاخ خانه ها. بیرون شهر -
 همچنین محل گورستانها، بازارهای مفتکی و مامانه، سلاخ مثل
 سه شنبه بازار و یکشنبه بازار و... و سایر تقویم خطای و تقالی بود.
 محله های مسکونی گوناگون بازارها جای داشت و در هیک از -
 محله های شهرهای نوینیا، مردمی زندگی میکردند که از گروه قومی -
 خاصی بودند. بلان منفی که عشیره های عرب و مردمان ایرانی و
 ترک و افکنهای بینی، چون یهودیان و نصارا، محله های خاص
 خود داشته هر محله برای خود بازارچه، حمام و عبادتگاه داشت.
 مثلاً در بغداد همان ابتدا ایرانیان و اعراب محله های جداگانه
 داشتند. بغداد مهم ترین شهر نوینیا در دوره اسلامی بود که آن
 را منصور خلیفه عباسی به شکل دایره ای بزرگ با چهار دروازه که هر
 یک در آسنی بزرگ و باشکوه داشت طرح کرد.

باره شهر با آنکه هایش شخصت نزع بلندی داشت. بیرون
 باره شهر با صد نزع ناصله دیواری باشکوه و بزرگ کشیده و تورا آورد
 آن دیوار بلندی استوار بنا نهاده بود.
 پس از خندق بود و پشت خندق جاده های بزرگ قرار داشت.
 میدان بزرگ شهر به چهار دروازه راه داشت و در میان آن کاخ
 شاهی بنا شده بود. مسجد جامع در کنار کاخ قرار داشت و در -

پیرامون کلخ نقطه‌سوی نگهبانان بود. در پیرامون میدان بزرگ خانه‌های نوزیدان نویمانوا و غلامان و خوشگزاران نزدیک وک و - بیت المال و قریحه و دیوانها قرار داشت. میان دروازه‌ها بزرگ، کویها و دروازه‌های دیگری قرار داشت که نام نوزیدان و نوزیدگان مصور و ساکنان هرچه بود عموماً از سوی رها می‌شد. حکم داشت و چنگام به باره میدانی که در آن نظام در آن بود. نه داشت. راه‌ها گویا گورد باره میدان قرار داشتند. حضور - محله‌های بیرون باره را چنان بخش کرد و سرپرستی هر بخش را به عهده می‌نمود که کرد. هر محله بانای عمده برای همه گونه داد و ستد داشت و بانایه نیاز مردم بوی هر محله مسجد و حمام ساخته بودند. هر محله و کدگی می‌نمودم قبیله، طایفه، اهل هرده و یا مردم نامیه از فرامی میرا طوایف اسلامی اختصاص داشت. و به نام رئیس یا مردمی که در آن ساکن بودند نامیده می‌شد بازار بزرگ شهر و نوسخ طول و یک نوسخ پیمان داشت. و بوی هر صنفی از بازارگانان و هر صنفی از بازارگانان و عین و صحرایکام، بازارها و راسته‌ها، کانه‌ها میدان‌ها بود. یکی از - محله‌های بزرگ بنادر بخششی از باب انشام بود بازارگانان بزرگ و باشکوه و کدوهای طوایف و هر کدگی به اهل نامیه ای از شهرهای ماد را شهر اختصاص داشت. به گفته بقوی: شمار کدوها و کدوهای بنادر بخشش هزار، شمار مسجد ماه سی هزار و شمار حمام معقول بود. شهرهای ایرانی در دوره اسلامی از آرمینوس سیمای شهرهای ساسانی باشهرهای نوینا با اسلامی شکل گرفت.

چنانکه پیش ازین گفتیم شهرهای ایرانی در دوره ساسانی شامل سه بخش بود. کهنه که دیوار و گاهی خندق داشت، خورشهر که آن را شهرستان یا جایگاه قدرت می‌نامیدند و دیوار گویا گورد آن میکشیدند. و بازار که خارج از دیوارهای شهرستان بود و آن را بیرون میگفتند. محله‌ها این بخش بیرونی شهر را در بر می‌نهادند.

دروازه بغداد قدیم

بلای توتیب شارستان که مترادف واژه عربی مدینه است قلم توتیب بخش شهر بوده و در دوران بزرگی اشرف نوسیدار بر پا شده و در اوایل دوره اسلامی نیز مرکز سکونت دهقانان و - اعیان عرب بوده است (سوزن) یا در بعضی مرکز بازارها و سکوته‌ها بازارگانان و کسب و پیشه‌ها قرار داده است.

شهرنشینی در امپراطوری اسلام از قرن سوم استرس یافت و شاید از میان رفتن قدرت خلافت عباسی و تسلط توکلان و عثمان در سوزنهای خلافت شرقی با این تحول مددگرم باشد. بزرگترین جریان طبقات اداری و نظامی و صنعتی ساجی خرد را به سرآمدان نوزیدگان می‌دانند که بردستگاری و نظامی تسلط داشتند. در اوایل و احوال تازه از بزرگترین کدوهای قدیمی آنها علماء یا دیوانه‌ها بودند. و مخالف آنکه از دستگاه سیاسی امپراطوری مستقل بودند نیز چنانچه محبوبیت مذهبی رفته رفته به نوزیدگان از وظایف سرآمدان اداری و صنعتی‌ها از بدیسی را نیز برعهده گرفتند. و بزرگترین سیاسی و اجتماعی مذهبی تبدیل شدند.

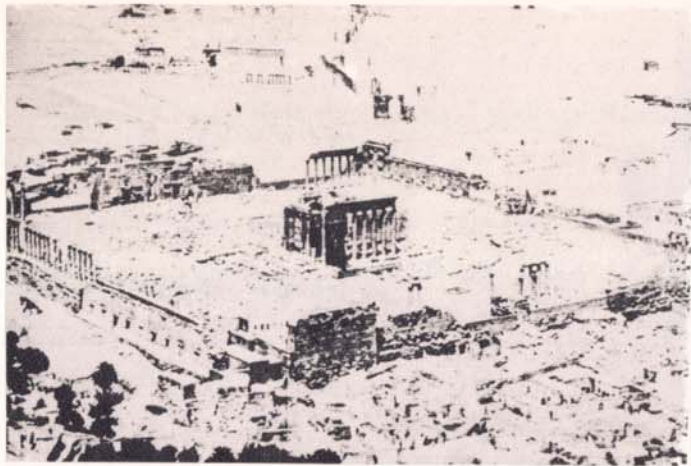
این خصوصیت در ایران طی دو حکومت مستقل آل بویه و رجوت و سامانیان در شمال در میانهای زندگی وارد میشود و در نتیجه انتقال آن به سلاجوقیان سیمای شهرهای ایران دگرگون می‌شود. مهمترین عامل تحول دگرگونی شهرهای ایرانی در گذشته - مربوط است به رشد و توسعه سریع بازارگانان و فرسایات صنعتی



در شهرها، در نیمه رفته رفته از اهمیت شهرستان کاسته شد و اهمیت رهن که جمعیت و کار کرد اقتصاد آن به سرعت - بالا میرفت افزون گردید. در بعضی از شهرها، شهرستان به کلی ویران شد و رهن آبادان گردید. بر اساس اطلاعاتی که نوشی نویسنده قرن چهارم درباره شهرسازی بغداد به دست می‌دهد شهرستان که قدیمیترین بخش شهر بوده و در دوره بویکی انحصاری اشرف نوسیدار بنا شده به سبب رونق تجارت و صنعت رهن که محل کار و زندگی قشرها - بوده توسعه - و صنعت رفته رفته از رونق افتاده و زندگی شهری آنجا به - رهن که محل کار و زندگی قشرها - بوده توسعه - بازارگانان و صنعتگران برده منتقل شده است.

بجایگزینی آن که بنا به شهرچنانچه تحقیق کرده است می‌گوید: گروهی نسبتاً ناخیهارا با تقویت تمام تئیس کرد، اما سوزن گفت که شهرهای دوره ساسانی باشهرهای انداز پیش از آن ترقی داشته است و این تمام تئیس در درجه اول مصالحی عین شدن موازنه نفاذیت بود.

شهرهای قدیم کم و بیش به تالار و محلات مسکونی - اطراف آنها که شارستان نامیده می‌شدند و دیوارهای آنها را احاطه میکرد. محدود شده بودند. همگوشن بازار - حرنه‌ها و صنایع. داد و ستد بازارها، مخصوصاً در توکل



معبد یالمیوا واقع در صحرای موریه

معم و چهارم در حکم انتقال جمعیت به حرنه شهر یا رهن بود. - امینی که در دوره سامانیان احساس میشد و ازین رهن خیر حمله اقوام کازیم یا بان کرد موجب شد و در عقب ملازم اطراف شهرها در خلوسان و مداره شهر گردید. در نتیجه این نیز که از - مهمترین شهرهای خراسان بود، در قرن چهارم زندگی شهری به سبب رونق تجارت و صنعت به رهن جنوبی منتقل شد (اصطخری درباره رکا گوید: شارستان بیشتر خواب است و رهن آبادان است).

محمد بن ابراهیم درباره شهر بوسیدار می‌گوید: که پیش از حکومت سلاجوقیان در رهن شهر بوسیدار هیچ عمارت نبود و در ایام دولت سلاجوقیان رهن شهر بوسیدار عمارت یافت.

موردی نیز دیده می‌شود که شارستان آباد بوده است و آن در صورتی بوده که بازارگانان و صنعتگران و تاجران نفاذیت داشته‌اند. مانند: زریح که به گفته ابن حوقل و اصطخری - بازارهای شارستان گویا گورد مجدداً ساخته شده است و به - نفاذیت این و آبادان و بازارهای رهن هم آبادان است و بیشتر خانه‌ها از شارستان در رهن آب روان و پوشش دار.

بلای توتیب در قرنهای سوم و چهارم شهر رفته رفته از شهر -

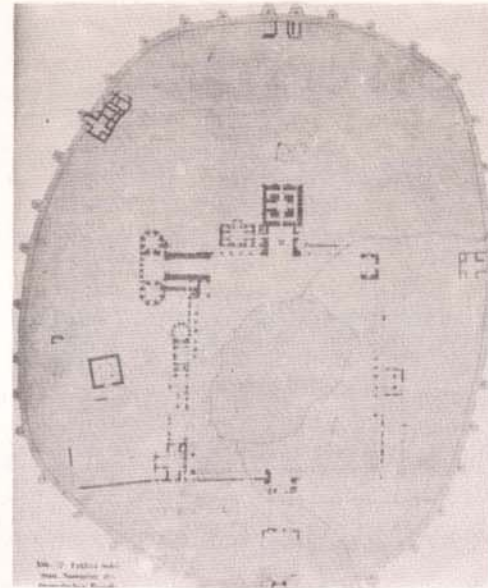
تنها در یک خیابان پنجاه کاروانسرای وجود داشت. معمولاً هر شرکت تجاری از خود کاروانسرا داشت.

معاملات خرد و خرید و فروش محصولات پیشه‌وران محلی در کارگاهها که در همین حال که فروش بود انجام میشد. تمام استادان یک پیشه اغلب در یکی واحدی زندگی میکردند و کارهای ایشان نیز در همان کوی بود. برینقوار کوی ابریشم بانان و پشم بانان و روغیان و رنگ‌وزنان و اسلحه سازان و نوزده نوزان و کوهریان و سرلجان و غیره وجود داشت. روستایان دستا‌های مجاور محصولات غذایی و خوراکی را به بازارهای شهر می‌آوردند.

در قرن چهارم مدرسه یا آموزشگاه روحانی اسلامی متوسطه یا عالی تشکیل شد و در شهرها صغیر قوی روحانیون و سادات معانی که از خود دارای رؤسای بودند بوجود آمد. مساجد معماران صاحب موقوفات نوازان از قبیل حکاکین و حتی بازارها بوده از پیشه‌وران و بازرگانان کسب‌کاری می‌کردند. بدون تزیین از قرون چهارم تا ششم در شهرها چهار مرکز اصلی زندگی اجتماعی وجود داشت.

۱- شهرستان باکاخها و خانه‌های اعیان نژودان
۲- مدرسه و مسجد و دیگر موقوفات اسلامی و جنوب روحانی
۳- چهارسور (بوم) یا کاروانسراها و تجارت‌عمده معاملات کلان و بازرگانی و آخر کویهای پیشه‌وران با اصناف و بازارهای بوم
۴- مردم که مرکز معاملات کوچک و خرد فروش بود.

در دوران یاد شده در تمام نقاط ایران کارهای بزرگی در زمینه آبیاری انجام میگرفت. و با نتیجه مساهت ارامی مزروع انوشیروانی میمانت. در احداث کارنها چنان پیشرفت و ترقی حاصل شده بود که مثلاً در کرمان آب را توسط کارنها نیاصله پنج روزه (تویب ۱۲۵ کیلومتر) میرساندند. عمق کارنها در بعضی نقاط (بخصوص در کرمان) ۹۰ م متوالی میگردد. کارسین هر چهار نوع آبیاری یعنی بوسیله چری و نه‌های متفوق از رود و کارنها و چاهها - ترسعه یا ت



نقشه سلیمان - دوره حفول

از رودهای کلون و حدسنه و قریب و دوزینه رود و غیره بهره‌های تازه بسیار منقش شد.

سدها و بندها و بندهای متحرک «اکلر» و مجاری مخصوص برای جریان آب در مریخ طخیان احداث گشت. در آن عهد چنان نوع چرخ چاه معمول بود. عمده‌ترین کارشناس عرب برای تخصص محل آبهای تحت الارضی و حفور قنوات «کاروان» و دیگر کارهای آبیاری وجود داشت.

امیر عضدالدوله سلیمی آنان بوم در زمان بروردن میان شیموار و استخر در نیمه زم قون نعم بنام مریخ عضدی یا بنام مریخ و احداث و برپا کردن محکم از تخته سنگهایی که با بست سری متصل شده بود در مقابل جریان رود پیدا آورد. در موارد زیادانه میخواستند برپا کرده این سد حرکت کنند. در نتیجه احداث این سد سطح آب بالا آمده بگه ای مصنوعی ایجاد شد. در کرانه آن ده چرخ عظیم برای بالا آوردن آب احداث کردند در کنار مریخ آسیای بوی نمودند. از مرفق آب نه‌هایی برای آبیاری منشعب ساختند. در قریب نژودان برود کاروان چرخهای عظیم برای بالا آوردن آب برپا کردند. بوسیله این چرخها آب را سوار ساحل مرتفع آن رود کرده سپس به مزارع میرساندند.

همه جا بجای دست آس ما و آسیابهایی که آبیاری نیروی

نیروی نیروی «کاروان» و «کاروان» و «کاروان» آسیابهای آبی و یا نیروی آبی کاروانها.

آسیابهای انوشیروانی بیشتر در سیستان معمول بوده. برای مبارزه با آب نژودان و روان درخت گز غرس میگردد. (شماره واحد در) در سیستان برای حفظ واحه‌ها از هجوم آب روان، دریاچه‌های مصنوعی میساختند.

کشت خروعات در نیم ترسعه یا ت و زرع انواع جدید معمول شد. بعضی بزرگ‌های که در زمان ساسانیان تقریباً کان نم نکلن بود، ترسعه نژودان یا ت. در آن دوره بومیخ در خوزستان و نقاط -

بست نژودان و خولسان و سیستان و نژودان خوزستان کشت میشد. کشت‌های جدید از قبیل مرکبات در نقاط بیست، در جنوب ایران و نژودان مجاور کرانه خرد و دانه بلخ و غیره متداول گشت.

کشت نخل بومها از عهد باستان در جنوب ایران متداول بوده. درین دوران در نقاط رود دست شمالی تا نژودان تسلط یافت. بهترین خرماها از رومان صادر میشد و گفته امطرکی در بعضی نقاط صومالیه خرما تیره تمیت داشت. بهترین

سوره‌ها در خوزستان و بهترین برقیالها در کرمان و بهترین زیتون در خوزستان تولید میشد. تاک انگور همه جا با ارتفاع ۲۰۰ تا ۲۵۰ متر معمول می‌آمد. در بعضی نژودان (خولسان و غیره) این از صندل و انگور بومل می‌آمد. فنیگر در کرمان و نقاط بیست نژودان و

در بعضی در خوزستان کشت میشد.

منابع ما از ترقی و پیشرفت دامداری سخن میگویند. قسمی از دامها مربوط به مردم استان یا ت و کی بیشتر از آن چار نشینان بود. سوان و دیگر قبایل بچادر نشین ایران - کارشناس دامداری بودند.

در قرون نخستین شهرنشینی را می‌توان کرد که بر اثر آن دوران شده بودند، به آسانی و باره ساری میشدند. عوامل مهمی که سبب رکود شهرها و آهستگی رشد آنها پس از ترقی بود، یکی زوال کشت‌های دیگر مایه‌های سنگین بوسه و پیشه‌ها و شهری و بکارهای کشیدن آنان بود. زوال کشت‌های بزرگ بازار -

منطقه‌های شهری را محدود کرد و این امر مانع بزرگی برای رشد - خاکیهای صنعتی و بازرگانی در شهرها پیدا کرد. مایه‌های - سنگین که بنام نمط از کسبه و پیشه‌وران و بازرگانان کهنه‌های شد و همچنین رسی که به طبع معروف بود بر اساس آن پیشه‌وران شهری مجبور بودند فرآورده‌های خود را به بهای کمتری

از قیمت بازار به خزانه دولت بفروشند. از تراکم سرمایه و رشد اقتصاد شهری جلوگیری و اینها خود مانع زنجیری در ده دوباره ساری شهرها و رشد شهرنشینی پیدا کرد.

از زمان غازان خان شهرنشینی دوباره رونق گرفت. در بعضی شهرها بزرگی که یا پیشه‌وران غازان خان شده بود. امار شده

